

مبانی حقوق رسانه‌ها

تهیه و تدوین : پوهنیار سیده مژگان مصطفوی

فهرست مطالب

موضوع.....	صفحه.....
مقدمه.....	۵.....
فصل اول	
حقوق رسانه ها.....	۷.....
۱- حقوق ارتباط جمعی.....	
	۷
۲- نظام های حقوقی تأسیس و نشر رسانه ها.....	۸.....
۳- عناصر آزادی رسانه ها.....	۱۱.....
فصل دوم	
آزادی	
بیان.....	۱۴.....
۱- مفهوم آزادی.....	۱۴.....
۲- مراحل تحول مفهوم آزادی بیان.....	۱۵.....
۳- بررسی آزادی بیان در متون حقوقی.....	۱۶.....
۴- عناصر آزادی بیان.....	۲۰.....
۵- موانع آزادی اندیشه و بیان در جامعه.....	۲۱.....

۶- اصول آزادی اندیشه و بیان در

قرآن..... ۲۲

۷- محدودیت های آزادی بیان

..... ۲۴

فصل سوم

آزادی

اطلاعات..... ۲۷

۱. آزادی اطلاعات و تاریخچه آن

..... ۲۷

۲. آزادی اطلاعات در قوانین داخلی افغانستان..... ۲۸

۳. حق دسترسی به اطلاعات..... ۲۹

۴. اصول نه گانه آزادی

اطلاعات..... ۳۰

۵. سازمان ملل متحد و آزادی اطلاعات..... ۳۴

۶. یونسکو و آزادی اطلاعات..... ۳۵

فصل چهارم

جرایم رسانه ای و استثناء های آزادی رسانه ها..... ۳۸

۱- جرایم رسانه ای..... ۳۸

۲- انواع جرایم رسانه ای..... ۳۹

الف) جرایم مربوط به محتوای رسانه ها..... ۳۹

ب) (جرایم مربوط به تأسیس رسانه

ها..... ۴۷

۳- در جرایم رسانه ای مسئول چه کسی است؟..... ۴۷

۴- چه سازمان هایی باید به جرایم رسانه ای رسیدگی نمایند؟..... ۴۸

۵- سانسور ۴۹

۶- استثناء های آزادی رسانه ها ۵۱

فصل پنجم

اخلاق رسانه ها و کاپی رایت ۵۳

بخش اول- اخلاق رسانه ای

۱- مفهوم اخلاق و اخلاق رسانه ای ۵۳

۲- پیشینه تاریخی اخلاق رسانه ای ۵۴

۳- اصول بین المللی اخلاق حرفه ای در خبرنگاری ۵۵

۴- چهار چوب اسلامی اخلاق رسانه ای ۵۸

۵- حرمت گذاشتن به امور شخصی افراد ۶۰

بخش دوم - کاپی رایت ۶۱

۱- دلایل موجودیت کاپی رایت ۶۲

۲- استثناء های کاپی رایت

۶۳.....

منابع و مأخذ ۶۵.....

ضمایم ۶۶.....

۱- متون مرجع (رفرنس) در اخلاق حرفه ای

۶۶.....

۲- مبارزه علیه کسانی که از مجازات رها می شوند

۷۲.....

۳- آدرس های مفید برای ژورنالیستان

۷۵.....

مقدمه

جهان امروز جهان توسعه نهاد های اجتماعی تقسیم کار و تخصصی شدن فعالیت هاست. اقتضای این امر، تنظیم مقررات و آیین نامه های جزئی و تفصیلی برای سامان دادن به روابط اجتماعی و انسانی، بهتر نمودن نتایج و بالابردن کار آیی است. بنابراین در هر جامعه ای جدا از قوانین اساسی و مدنی، دستگاه های کارشناسی و تشکل های حرفه ای و صنفی باید آیین نامه ها و مقرراتی را برای هر یک از بخش های مربوطه تنظیم کنند. این آیین نامه ها و مقررات مناسبات هر سازمان و نهاد را با سازمان های دیگر و شهر و ندان تنظیم می کند. درون هر یک از این مجموعه مقررات، ساز و کارهایی برای حل اختلافات - که به طور طبیعی پیش می آید - در نظر گرفته می شود.

رسانه ها نیز همانند دیگر نهاد ها مشمول نکات فوق می شوند؛ واسطه قرار دادن آنها میان انواع نهاد ها و شهروندان، ابعاد حقوقی آنها را تنوع و تعدد می بخشد. از این نظر در همه کشورها قوانین و مقررات برای رسانه ها وجود دارد. این مقررات شکایات مردم و نهاد ها از رسانه ها را جهت می دهد و از تنش های اجتماعی که ممکن است رسانه ها به آن دامن زنند جلوگیری می کنند. در هر جامعه که رسانه ها رشد کیفی و کمی بیشتری داشته باشند، قوانین و مقررات تنظیم شده نیز تفصیل بیشتری دارد. طبیعی است که اگر در جامعه ای رسانه های خصوصی ایجاد شده باشد مقررات مربوط به آنها نیز باید تنظیم و تصویب شود. همچنین اگر در جامعه ای شبکه های کیبلی گسترش یافته باشد مقررات مربوط به آن نیز باید شکل گیرد. بدین ترتیب باید اذعان کرد که بعد از تأسیس دولت جدید در افغانستان هم رسانه ها از نظر کمی رشد چشم گیری پیدا نموده اند که در طول تاریخ افغانستان سابقه نداشته و هم انواع رسانه های خصوصی و شبکه های کیبلی شروع به فعالیت نموده اند.

تمام این تغییرات در عرصه رسانه ها در افغانستان احتیاج به وضع قانون و مقررات جدید دارد. قانون رسانه های همگانی بعد از استقرار حکومت جناب حامد کرزی در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسیده بود، بار اول به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۲ و بار دوم به تاریخ ۱۳۸۸/۴/۹ تجدید نظر شد. ولی با این وجود در مورد محتوای رسانه ها باید قانون گذاری بیشتر صورت گیرد و رسانه ها موظف گردند که رسالت خود را به نحو بهتر در جامعه انجام دهند. زیرا در قانون رسانه ها حقوق و مکلفیت های مسئولین رسانه ها مانند صاحب امتیاز و مدیر مسئول، شرایط تأسیس رسانه ها، کمیسیون ها، احکام جزایی و سایر موارد مشخص شده است. اما در مورد این که محتوای رسانه ها چه باشد و تعهداتی در این زمینه از رسانه ها گرفته شود، با تفصیل سخن به میان نیامده است. وظایف را که رسانه ها در جامعه باید داشته باشند شامل وظیفه راهنمایی و رهبری، وظیفه خبری و آموزشی و وظیفه تفریحی و تبلیغی است. با توجه به این که افغانستان یک کشور در حال توسعه است، رسانه ها می توانند از طریق

آموزش به توسعه این کشور کمک نمایند. به طور مثال یک رسانه می تواند مؤظف گردد که درکنار سایر مطالب به بعد آموزشی نیز توجه داشته باشد. بدین ترتیب در زمان تأسیس یک رسانه تعهداتی باید درمورد محتوای نشراتی خود بدهد که اگر نتوانست به آن عمل نماید، باز هم قانونگذار درقانون پیش بینی نماید که چه در انتظار رسانه مذکور باشد.

توسعه رسانه های ارتباطی در دنیای معاصر برای تنظیم روابط انسانی و اجتماعی، حفظ حریم های فردی و اجتماعی، رعایت حقوق افراد نیاز به قانون مندی دارد. همان گونه که رسانه های چاپی در یک دوره از تاریخ بشر نقش قابل توجهی داشته و (هنوز هم دارد) این امر به تنظیم مقررات قوانین آنها در همه کشورها انجامید، اکنون تنظیم مقررات رسانه ای مثل تلویزیون در سه بعد زمینی، کیبلی و ماهواره ای در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی در حال تنظیم و تحول است. این مقررات عمدتاً متوجه حفظ حقوق تولید کنندگان، ایستگاه های پخش و مخاطبان است.

حقوق رسانه ها تعریفی از آزادی بیان می دهد، شرایط بهره مند شدن از این آزادی را مشخص می کند، جرایم را درصورت سوء استفاده از این آزادی پیش بینی می کند. مقررات حاکم بر تأسیس رسانه ها، مقررات حاکم بر محتوای رسانه ها، حقوق روزنامه نگار، حقوق مؤلف، جرایم رسانه ای و در برخی موارد مسئله رعایت اخلاق در رسانه ها را هم بررسی می نماید. فراگیری حقوق رسانه ها برای خبر نگاران حرفه ای و غیر حرفه ای ضروری است، زیرا در صورت پی بردن به آن خبرنگاران محدوده فعالیت خود را می دانند و کار تهیه مطالب برای نشریات و رسانه های برقی برای آنان سهل می گردد. متأسفانه در افغانستان علیرغم این که نظام رسانه ها آزادی گرا است، اما در آن توجه خاص به حقوق و وظایف خبرنگاران نشده است. در این کشور هنوز اصول اخلاق حرفه ای خبرنگاری مورد توجه جدی قرار نمی گیرد. عدم توجه به اصول اخلاقی خبرنگاری و ضعف آشنایی دست اندرکاران رسانه ها با حقوق رسانه بدون شک موجب بروز مشکلاتی در اجتماع خواهد شد. برای جلوگیری از بروز مشکلات در نحوه برخورد رسانه ها با مردم به نظر می رسد که برای خبرنگاران لازم است تا در زمینه حقوق، آزادی ها و محدودیت کاری خود آگاهی داشته باشند. شاید این مطالب که تحت عنوان حقوق رسانه ها تهیه شده بتواند شمه ای از این حقوق را برای خبرنگاران بیان کند و راهنما و راه گشا آنان در زمینه آشنایی با حقوق رسانه ها باشد.

فصل اول

حقوق رسانه ها

۱- حقوق ارتباط جمعی

همانگونه که در مقدمه نیز بیان شد، حقوق رسانه ها یکی از مباحث بسیار مهم و ضروری در باب رسانه ها است و فراگیری این رشته برای تمامی ژورنالیستان ضروری می باشد. در این جا لازم است اول بدانیم که ارتباط جمعی چیست؟ تمام فعالیت های که توسط نوشته، بیان و تصویر یا هر نشانه دیگری به انتشار وقایع، اخبار، نظریه ها، عقاید، معارف و غیره میپردازند، ارتباط جمعی نامیده می شود. در این باید تأکید کرد بر اهمیت کلمه انتشار، زیرا با انتشار دادن است که می توان اخبار و وقایع را به اطلاع عموم مردم رساند و با انتشار دادن است که ارتباط صورت جمعی یا عمومی پیدا می کند. در ارتباط فردی به طور مثال به وسیله تلفون ارتباط تنها بین دو شخص صورت می گیرد، ولی در ارتباط جمعی خبر در قلمرو یک جمعیت قرار می گیرد.

چرا رشته ای به نام حقوق ارتباط جمعی وجود دارد؟

کار رسانه های همگانی فعالیت اجتماعی است، بنابراین نمی تواند از زیر سلطه قانون بگریزد. مانند دیگر فعالیت های اجتماعی باید رسانه ها قواعد و مقررات داشته باشد. الزامی بودن این قواعد و مقررات باعث برقراری نظم در اجتماع می شود. در نتیجه این مقررات است که نحوه انجام دادن فعالیت های اجتماعی رسانه ها مشخص می شود. وسایل ارتباط جمعی را مطیع نظم کردن به طور قطع به معنی کنترل و منع آن نیست. یک نظام حقوقی مناسب برای رسانه ها می تواند متضمن آزادی باشد. حقوق ارتباط جمعی می تواند آزادی رسانه ها را تأمین کند و رسانه ها را از زیر فشار های قدرت ها مصئون نگهدارد. حقوق ارتباط جمعی آنطور که ما امروز با آن آشنایی داریم درست قبل از جنگ جهانی دوم پایه گذاری شده است. در آن زمان چهار وسیله مهم ارتباطی (رسانه های چاپی، سینما، رادیو و تلویزیون) در امریکا و اروپا وجود داشت. رسانه های چاپی از نیمه دوم قرن ۱۹ و سینما در آخرین سال های قرن ۱۹ (۱۸۹۵) رادیو در اوایل قرن ۲۰ (۱۹۲۰) و تلویزیون در سال های ۱۹۳۵ رونق پیدا کردند. از همان ابتدا که این رسانه ها شروع به کار نمودند، هر کدام مجبور به تابعیت از مقرراتی شدند. نظریه پردازی به اسم فرید ریک نیرو در جهان به اسم پدر حقوق رسانه ها یاد می شود، زیرا وی در زمینه حقوق رسانه

ها زیاد مطالعه نموده است. رشته حقوق رسانه ها هنوز بسیار جوان است. ولی با این حال این رشته در اغلب دانشگاه های دنیا جزء دروسی است که باید خبرنگاران آن را مطالعه نمایند.

۲- نظام های حقوقی تأسیس و نشر رسانه ها

در بخش های قبلی گفتیم که رسانه ها به دلایل مختلف مؤلف اند تا از مقرراتی خاص پیروی نمایند. این مقررات بستگی به خصوصیات نظام حاکم بر آن جوامع دارد. در مجموع دسته بندی های مختلفی را در مورد نظام رسانه ای در کشورها انجام داده اند از جمله می توان این تقسیم بندی را نام برد:

الف (نظام استبدادی رسانه ها: نظام است که در آن حق فعالیت آزادانه به رسانه ها داده نمی شود. اگر نظام حاکم بر کشور استبدادی باشد به طور قطع رسانه ها نیز نمی توانند آزادی داشته باشند. در کشورهای اقتدار گرا این نظام از رسانه ها به چشم می خورد.

ب (نظام لیبرال یا آزادی گرا: در این نظام فعالیت رسانه آزاد است و مخصوص کشورهای است که در آن دیموکراسی وجود دارد. در این نظام رسانه ها ملزم به دریافت مجوز قبل از انتشار نیستند، توقیف و تعطیل خود سرانه رسانه ها ممنوع است.

پ (نظام کمونستی رسانه ها: همان گونه که از نام آن پیداست مخصوص کشورهای است که نظام حاکم بر آن جوامع نظام کمونستی است. قبل از فروپاشی بلوک شرق نمونه های فراوان آن وجود داشت، ولی در حال حاضر فقط در کشورهای چین و کیوبا وجود دارد.

ت (نظام مسئولیت اجتماعی رسانه: در این نظام نقش و کارکرد اجتماعی رسانه ها مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در حقیقت بر اساس این نظام، رسانه ها در کنار برخورداری از آزادی مسئولیت اجتماعی مهم نیز به عهده دارند.

در مورد نظام های رسانه ای در افغانستان باید گفت که افغانستان کشوری است که در طول سالهای طولانی که از تأسیس اولین نشریه «شمس النهار» می گذرد، نظام های متعدد رسانه ای را پشت سر گذاشته و تجربه های ارزنده در زمینه نظام های

استبدادی، آزادی گرا، کمونستی و نشریات مقاومت به دست آورده است. شاید کمترکشوری مانند افغانستان باشد که تمام این نظام ها را پشت سر گذاشته باشد. و در حال حاضر نظام رسانه های افغانستان آزادی گرا است.

برعلاوه تقسیم بندی که در مورد نظام های رسانه ای انجام شده، باید یاد آور شویم که در خصوص تأسیس رسانه ها هم نظام های حقوقی خاص در نظر گرفته شده است که از جمله این تقسیم بندی را می توان نام برد:

الف - نظام پیشگیری

« در کشورهای دارای نظام قدرت گرا، مانند کشورهای استبدادی قدیم، که هیأت های حاکمه آنها از آزادیهای سیاسی بیمناک بودند، تأسیس رسانه ها تابع « نظام تأمینی، احتیاطی یا پیشگیری » است. به این معنا که در این کشورها، برای مقابله با فعالیت رسانه ای افراد و نیروهای سیاسی مخالف و پیشگیری از انتقادات و افشاگری های آنها، ایجاد رسانه به کسب اجازه قبلی و دریافت امتیاز موکول « مورد اعتماد » حکومت قرار می گیرند. دریافت ودیعه مالی از مؤسسان رسانه نیز از جمله شرایط تکمیلی اجازه قبلی بخش رسانه ها به شمار می رود. » (۱)

به عبارت ساده تر در کشورهای که نظام استبدادی است و دولت از دادن آزادی به رسانه ها می ترسد، شرایط بسیار سخت را برای تأسیس نشریات می گذارد و نظام پیشگیری در آن وجود دارد. در این نظام حتمی باید نشریات قبل از انتشار مجوز دریافت نمایند و گرفتن این مجوز در برخی از اوقات ممکن است مدت زیادی را در برگیرد.

ب - نظام تنبیهی

در کشورهای دارای نظام آزادی گرا، برای تأسیس و انتشار رسانه ها، از «نظام تعقیبی و تنبیهی» استفاده می شود. به عبارت دیگر، در این کشورها، هیچ گونه محدودیتی (جز در موارد استثنایی پیش بینی شده در قوانین) برای تأسیس و اداره رسانه ها وجود ندارد و افراد و شرکتها جمعیت ها می توانند با آزادی کامل و یا تنها با تسلیم اعلام نامه یا تقاضای ثبت، رسانه مورد نظر خود را تأسیس کنند.

قوانین رسانه های این کشورها، درعین آزاد گذاشتن رسانه ها با در نظر گرفتن مصالح و منافع واقعی مردم، محدودیت های رسانه ها را در نشر برخی از اخبار - به ویژه در زمینه هایی که به استقلال و نظم و امنیت ملی، آسایش و سلامت جامعه، اخلاق حسنه و عفت عمومی و حیثیت و زندگی خصوصی افراد، لطمه وارد شود - پیش بینی می کنند و پس از انتشار، رسانه ها را

در صورتی که مطلبی مغایر قانون در آنها وجود داشته باشد و به عبارت دیگر، هرگاه جرم رسانه ای وقوع یابد، از طریق محاکم عادی و اغلب به حضور هیأت منصفه، مورد تعقیب و رسیدگی قرار می دهد و متخلفان تنبیه و مجازات می شوند.

به این ترتیب، انتشار آزادانه رسانه ها بدون ضرورت کسب اجازه یا امتیاز، سانسور نکردن رسانه ها، عدم توقیف و تعطیل خودکامه آنها و پیش بینی معیار های قانونی مسئولیتهای آنها، از ارکان اصلی آزادی رسانه ها اند و در بسیاری از کشورها که ضرورت رسیدگی به جرایم رسانه ای در حضور هیأت منصفه، هم در قوانین اساسی یا قوانین عادی پیش بینی شده است، رعایت این امر نیز از ارکان آزادی رسانه ها شناخته می شود.

بنابراین، هر قانون و رویه ای که به تبعیت از شیوه های پیشگیرانه نظامهای استبدادی قدیم یا نظامهای آمرانه جدید، دریافت امتیاز رسانه ها را الزامی می سازد، سانسور و ممیزی و کنترل مندرجات رسانه ها پیش از انتشار آن ها را معمول دارد و توقیف و تعطیل خودکامه رسانه ها و تنبیه غیر اصولی خبرنگاران را اعمال کند، با اصل آزادی رسانه ها مغایرت دارد و از تحقق آرمان های دیموکراسی، که شرط اصلی آن آزادی عقیده و بیان در جهت گسترش آگاهیهای سیاسی و ایجاد زمینه مساعد برای مشارکت عمومی در زندگی جمعی و تأمین برابری های اقتصادی و اجتماعی است، جلوگیری می کند. « (۲)

نظام تنبیهی رسانه ها یکی از نشانه های دیموکراسی در کشورهاست. زیرا در کشوری که رسانه ها بدون کسب مجوز قبلی از دولت منتشر شوند، شرایط کار برای آنها فوق العاده آسان می شود و این اصل که رسانه ها رکن چهارم دیموکراسی اند تحقق می یابد. (ارکان دیگر دیموکراسی عبارت از قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه اند.) در نظام پیشگیری به هیچ عنوان آزادی رسانه های تحقق نمی یابد.

لازم به یاد آوری است که نظام فعلی رسانه های افغانستان نظام تنبیهی است زیرا در این نظام رسانه ها بدون اجازه نامه قبلی از دولت شروع به کار می کنند و فقط به دولت اعلام می کنند که رسانه ای با این خصوصیات تأسیس گردیده است. اگر جرمی را مرتکب شدند که در قانون پیش بینی شده باشد، مورد مجازات قرار می گیرند. در افغانستان در حال حاضر نشریات در وزارت اطلاعات و فرهنگ ثبت می شوند و رادیو و تلویزیون ها هم در تلویزیون ملی افغانستان ثبت می شوند. همچنین برای نشریات اتباع داخلی کشور مطابق قانون رسانه های همگانی، کسب اجازه قبلی لازم نیست.

اعلام نامه: در کشورهای که نظام حقوقی رسانه ها به شکل تنبیهی است، رسانه ها یک اعلامنامه به دولت می دهند. برای

این که به دولت اعلام نمایند که رسانه ای را با خصوصیات فوق تأسیس می نمایند. در افغانستان هم که جز این دسته از کشورهاست، دادن اعلامنامه در قانون رسانه های همگانی این کشور پیش بینی شده است. در مورد رسانه های چاپی در بند

۶ ماده دهم قانون رسانه های همگانی افغانستان آمده است که اگر نشریه ای قبل از ثبت منتشر می شود صاحب امتیاز مکلف است دوهفته بعد از انتشار نشریه را ثبت نماید. در نتیجه ثبت رسانه شرط اولیه برای نشر آن نیست و آزادی رسانه ها بدین ترتیب حفظ شده است. در سایر کشورهای هم که نظام تنبیهی دارند این کار معمول است. اما در اعلام که نشریات به دولت می کنند، چه چیزها ذکر می شود؟ در ماده سی و سوم قانون رسانه های همگانی آمده است: صاحبان امتیاز رسانه های همگانی مکلف اند، بیان نامه ای حاوی معلومات ذیل را به خاطر ثبت به وزارت اطلاعات و فرهنگ تقدیم نمایند: شهرت مکمل، نوع فعالیت، اسم رسانه، محل فعالیت آن، هدف و مرام فعالیت، منبع تمویل کننده و اندازه سرمایه...

۳- عناصر آزادی رسانه ها

رسانه ها در شرایط خاص می توانند آزاد باشند و عناصری لازم است تا این آزادی را تحقق بخشد. این عناصر عبارتند از:

الف) نظام تنبیهی و اعلامنامه ای

یکی از عناصر لازم قبل از تأسیس رسانه ها وجود نظام تنبیهی است. شاید مهم ترین عنصر هم این موضوع باشد زیرا زمانی که مانع قبل از تأسیس وجود نداشته باشد آزادی رسانه می تواند تحقق یابد. مانعی که در مورد تأسیس رسانه ها در نظام های پیشگیری وجود دارد، در نظام های تنبیهی وجود ندارد و در این نظام آزادی رسانه ها بهتر می تواند تحقق یابد.

ب) ممنوعیت سانسور

یکی از عناصر دیگر که می تواند در تأمین آزادی رسانه ها بسیار مفید باشد، ممنوعیت سانسور است. بدین معنی که رسانه ها در نشر مطالب باید آزاد باشد و مانند نظام های استبدادی نباید مطالب سانسور گردد.

پ) ممنوعیت توقیف رسانه ها

در برخی از موارد دولت ها بدون دلایل زیاد محکم به توقیف و منع نشرات یک رسانه اقدام می کنند. این موضوع باعث آن می شود که آزادی رسانه ها سلب شود. بدین لحاظ توقیف رسانه ها توسط دولت باید ممنوع باشد. مگر در موارد خاص و استثنائی که در قانون مشخص و تعیین شده باشند و رسانه جرمی بسیار حاد و سنگینی را مرتکب شده باشند.

ت) ضرورت تصریح جرایم رسانه ها در قانون

اگر رسانه ها به پخش مطالبی مبادرت ورزند که معلوم نباشد جرم است، دچار سردرگمی خواهند شد. پس در قانون جرایم رسانه ای باید به صورت روشن تعریف شود. در غیر آن رسانه ها همیشه در ناامنی به سر می برند که آیا با نشر این مطالب متهم خواهند شد یا نه؟ در هر کشور یک لیستی از جرایم رسانه ای در اختیار رسانه ها قرار دارد که مطابق با آن مطالب خود را تهیه نمایند. در قانون رسانه های همگانی در ماده ۴۵ چند مورد از نشر مطالب ممنوع آمده و بقیه موارد را به قانون اساسی و قانون جزا رجعت داده است.

ث) حضور هیأت منصفه برای محاکم

در محاکم که جرایم رسانه ها بررسی می شود، باید هیأت منصفه از ژورنالیستان حضور داشته، تا مدافع حقوق رسانه ها باشند. به دلیل این که مشکلات و انگیزه های ژورنالیستان را افراد مسلکی این رشته بهتر درک می کنند و محکمه می تواند با توجه به نظر این افراد مسلکی رأی نهایی خود را صادر نماید.

در یک نتیجه گیری کلی از مطالب این فصل باید بگوییم که حقوق رسانه ها بحث مهمی در عرصه فعالیت های اجتماعی خبرنگاران است. تصویب قوانین برای رسانه نه به عنوان گذاشتن محدودیت برای آنان بلکه وسیله ای برای اعاده حقوق رسانه ها است. نظام های رسانه ای در جهان شامل نظام استبدادی، آزادی گرا، کمونستی و مسئولیت اجتماعی می شود. در تقسیم بندی های که از طرف نظریه پردازان در زمینه نظام های حقوقی رسانه ها صورت گرفته دو تقسیم بندی شایع مشاهده می شود: یکی نظام پیشگیری و دیگری نظام تنبیهی.

نظام پیشگیری نظامی است که در آن هر نوع فعالیت رسانه ای نیاز به کسب مجوز قبلی از دولت دارد و مخصوص کشورهای است که دارای نظام سیاسی اقتدار گرا و استبدادی اند. نظام تنبیهی نظامی است که در آن نیاز به کسب مجوز قبلی از دولت نیست ولی اگر تخلف توسط رسانه ها صورت گرفت که خلاف قانون باشد، دست اندر کاران رسانه ها مجازات می شوند. این نظام مخصوص کشورهای است که دارای نظام آزادی گرا اند. افغانستان کشوری است که نظام های مختلف رسانه ای را پشت سر گذاشته و نظام فعلی رسانه ها در این کشور نظام تنبیهی است. برای آزادی رسانه ها چند عنصر مهم اند این عناصر عبارتند از: وجود نظام تنبیهی، ممنوعیت سانسور، ممنوعیت توقیف ضرورت تصریح جرایم رسانه

ای در قانون و حضور هیأت منصفه از ژورنالیستان برای رسیدگی به جرایم رسانه ای . در کشورهای که این اصول و عناصر وجود داشته باشد به طور قطع آزادی رسانه ها نیز تأمین خواهد شد.

فصل دوم

آزادی بیان

۱- مفهوم آزادی بیان

آزادی بیان که گرانبهاترین حقوق انسانی و سنگ محک تمام آزادی‌ها شناخته شده، آن دسته از حقوق بشر است که جزء حقوق طبیعی به شمار می‌رود. در جامعه که آزادی بیان وجود نداشته باشد دیموکراسی هم معنا ندارد. آزادی بیان به معنی داشتن آزادی برای ابراز عقاید، دیدگاه‌ها و نظریات است. این آزادی نمی‌تواند محدود شود، به استثناء مواردی که امنیت جامعه، نظم عمومی، حریم خصوصی افراد و سایر موارد مشخص شده در قانون را نقض نماید. در یک جامعه دیموکراتیک تمام افراد به شمول اقلیت‌ها حق آزادی بیان دارند. دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آراء معروف خود در مورد رابطه موجود میان آزادی بیان و دیموکراسی می‌گوید: «آزادی بیان یکی از عناصر اصلی جامعه دیموکراتیک و یکی از شرایط اساسی پیشرفت آن و شکوفایی هر فرد است.»

نظریه پردازان آزادی‌های عمومی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

الف) آزادی‌های اساسی که شامل آزادی امنیت، رفت و آمد، آزادی‌های فیزیکی، احترام به اشخاص...اند.

ب) آزادی‌های فکری شامل آزادی بیان و عقیده، رسانه‌ها، مذهب، اجتماعات و غیره است.

ج) آزادی‌های اقتصادی شامل آزادی‌های کار، مالکیت، اعتصاب و غیره اند.

آزادی بیان که جزء آزادی‌های فکری است از گذشته تا حالا از اهمیت خاص برخوردار است. زیرا آزادی بیان زیر بنای تمام آزادی‌ها به شمار می‌رود. به این دلیل که اگر حق انتقاد در یک جامعه وجود نداشته باشد و افراد حق نداشته باشند افکار خود را آزادانه بیان نمایند، سایر آزادی‌ها هم معنی پیدا نمی‌کند. در متون حقوق بین‌الملل بر اهمیت آن زیاد تأکید شده است. به عنوان مثال در اعلامیه مربوط به آزادی بیان و اطلاعات مصوب کمیته وزرای شورای اروپا در سال ۱۹۸۲ در مورد مقرر می‌دارد: «آزادی بیان و اطلاعات برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی هر انسان ضروری است و شرط پیش رفت هماهنگ گروه‌های اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها جامعه بین‌الملل به شمار می‌رود.»

برعلاوه در قطع نامه کنفرانس منطقه ای که در ۲۰۰۲ از طریق یونسکو تشکیل شد راجع به آزادی بیان چنین گفته شده است: « هر چند آزادی بیان، رسانه ها و اطلاعات بدون چون و چرا از اصول دیموکراسی شمرده می شوند، ولی مثل سایر اصول می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرند. »

همچنان که در این متون به ملاحظه می رسد آزادی بیان و اطلاعات لازم و ملزوم یکدیگراند و در این متون تأکید زیاد بر هر دو صورت گرفته است و این آزادی ها را جزء اصول دیموکراسی در کشورها به حساب می آورند.

۲- مراحل تحول آزادی بیان

تعریف آزادی بیان در طول سه قرن اخیر تحول یافته و اولین تعاریف آزادی بیان از قرن هجدهم است. از آن زمان تاکنون آزادی بیان در چند مرحله تکامل پیدا کرده است. ولی اهمیت تعریف آزادی بیان آن گونه که اولین بار در اواخر قرن ۱۸ در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ارائه گردیده بود، همچنان پابرجاست. « می توان گفت که این مراحل تحول را آزادی بیان پشت سر گذاشته است:

الف) در اولین مرحله که از قرن ۱۸ تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه دارد، بر نظریه آزادی گرایی اطلاعات تأکید می شود. در این دوران محدودیت های نسبتاً بیشتری برای آزادی بیان وجود داشت. سالها در زمینه آزادی بیان در کشورهای مختلف از جمله انگلستان و فرانسه آزادی گرا ها و جمهوری خواهان برای بدست آوردن آزادی بیان و اطلاعات مبارزه می کنند. در سال های آخر این مرحله امریکایی ها بر نظریه آزادی گرای اطلاعات تأکید می کنند. بدین معنی که باید در زمینه آزادی بیان و اطلاعات محدودیت زیاد وجود نداشته باشد.

ب) بعد از جنگ نگرش در مورد آزادی بیان تحت تأثیر عوامل گوناگون تغییر می کند، از جمله نظریه مارکسیستی در باره حقوق بشر دیدگاه آزادی گرایی پیشین را مورد انتقاد قرار می دهد و بدین گونه در دومین مرحله از تحول مفهوم آزادی بیان نظریه آزادی گرا در مورد اطلاعات از سوی مارکسیست ها زیر سؤال می رود. به عقیده آنان آزادی بیان به عنوان ظاهری آن معرفی می شود. در مورد آزادی اطلاعات آن چه که اهمیت دارد، فراهم نمودن شرایط لازم و مخصوصاً شرایط اقتصادی تحقق آن هاست.

پ) طی سومین مرحله تحول مفهوم آزادی بیان در سال های آخر دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر نظریات جدید در مورد آزادی ها بوجود آمد. در این دوره شاهد ظهور مفهوم جدید تحت عنوان حق مطلع شدن هستیم. بدین ترتیب در کنار حق اطلاع دادن، حق جدید مطلع شدن مطرح می شود که همه افراد حق دارند از تمام وقایع با خبر شوند.

ت) از سال ۱۹۸۰ مفهوم آزادی بیان به چهارمین مرحله از تحول خود وارد می گردد. در این دهه تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات و از جمله اینترنت به این آزادی ابعاد تازه ای می بخشند. دیگر در اینترنت محدودیت برای آزادی بیان کمتر به چشم می خورد و در آن هم دادن اطلاعات و هم بهره برداری از اطلاعات ذخیره شده از اینترنت بدون مانع است. (۳)

اما آزادی برای بدست آوردن اطلاعات مفید در اینترنت برای عده ای محدود است. زیرا در جوامع توسعه نیافته مانند افغانستان اینترنت در اختیار عده ای محدود قرار دارد و کسانی که آن را در اختیار دارند ثروتمندان اطلاعاتی اند و بقیه فقرای اطلاعاتی. برعلاوه در اینترنت محدودیت های نیز در ارائه اطلاعات نیز باید وجود داشته باشد. به این دلیل که گروهی از افراد مطالب خلاف اخلاق و یا خلاف قانون را منتشر می کنند. اتحادیه اروپا سال ها در تلاش است تا در زمینه اینترنت نیز قانونگذاری نماید.

۳- بررسی آزادی بیان در متون حقوقی

به دلیل با اهمیت بودن آزادی بیان در جوامع گذشته و فعلی در اغلب قوانین داخلی کشورها و قوانین منطقه ای و بین المللی آزادی بیان ذکر شده است. مروری مختصر می کنیم به آن ماده های این قوانین که به آزادی بیان اختصاص یافته است.

الف) آزادی بیان در قوانین داخلی کشورها

۱- در فرانسه برای اولین بار در ۲۶ اگست ۱۷۸۹ قانون را مظهر اراده ملت شناختند و اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیرفرانسه به تصویب رسید. در ماده ۱۱ این اعلامیه آمده است:

« انتقال و انتشار آزادانه افکار و عقاید یکی از گرانبها ترین حقوق انسانی است، بنابراین هر شهروند می تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند به استثناء مواردی که با سوء استفاده از این آزادی در قانون مشخص شده اند و قابل تعقیب می باشد.» به موجب این که آزادی بیان برای اولین بار در فرانسه به تصویب رسیده است فرانسه را مهد آزادی بیان می نامند. زیرا برای اولین بار آزادی بیان را با این اهمیت بیان می کند.

۲- در امریکا در ۱۷۹۱ در اولین متمم قانون اساسی این کشور در مورد آزادی بیان آمده است: «کنگره هیچ قانونی را تصویب نخواهد کرد که محدود کننده آزادی بیان و آزادی مطبوعات باشد.» همچنین در قانون اساسی ایالت ویرجینیای امریکا می خوانیم: « آزادی مطبوعات یکی از سنگر های آزادی است، هرگز نمی تواند محدود شود مگر به واسطه دولت های مستبد. »

۳- در ایران در اصل ۲۴ قانون اساسی این کشور آمده است: « مطبوعات آزاد اند مگر که مخل مصالح اجتماعی باشند. » همچنان که قبلا نیز گفتیم در کشورهای که نظام پیشگیری رسانه ها وجود داشته باشد آزادی برای رسانه ها نخواهد بود. وقتی قانون گذار کلماتی مثل « مخل مصالح اجتماعی » را به کار می برد، در حقیقت سوء تعبیر های متفاوت از این واژه ها به میان می آید. اگر کلمات زیاد کلی نباشد و به صورت مشخص و واضح تر بیان شود، بهتر می تواند در تحقق آزادی بیان کمک کند. زیرا وقتی کلمات کلی است هر کسی آن را به نحو تفسیر و تعبیر می کند.

۴- ماده ۳۴ قانون اساسی افغانستان که در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است به آزادی بیان اختصاص دارد. در این ماده آمده است: « آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشتار، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج در این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد.»

بر علاوه ماده ۱۶ قانون اساسی افغانستان نشر مطبوعات و رسانه های گروهی را به تمام زبان های رایج کشور آزاد اعلام می دارد. در صورتی که تمام اقلیت ها بتوانند به زبان خود رسانه داشته باشند، آزادی بیان تحقق خواهد یافت.

همچنین در قانون رسانه های همگانی افغانستان، ماده دوم بند اول یکی از اهداف این قانون را حمایت و تضمین حق آزادی فکر و بیان می خواند. همچنین ماده ۴ آن نیز به آزادی بیان و فکر اختصاص دارد :

« ۱- هر شخص حق آزادی فکر و بیان دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله و ایجاد محدودیت از طرف مسئولین دولتی شامل این حق است، این حق دربرگیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می باشد .

۲- دولت آزادی رسانه های همگانی را حمایت، تقویه و تضمین می کند. هیچ شخص حقیقی یا حکمی به شمول دولت و ادارات دولتی نمی تواند فعالیت آزادی رسانه های خبری یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده و یا طور دیگر در امور نشرات رسانه های همگانی ومعلوماتی مداخله نماید، مگر مطابق احکام این قانون . «
دیده می شود که نظامی که برای رسانه ها در افغانستان در نظر گرفته شده است نظام آزاد است. زیرا در قسمت دریافت اطلاعات، دولت رسانه ها را کاملا آزاد گذاشته، در ضمن به سایر ادارات هم حق مداخله در امور رسانه ها را نمی دهد.

ب) آزادی بیان در متون منطقه ای

در منطقه اروپا یک کنوانسیون اروپایی حراست از حقوق بشر در ۱۹۵۰ به تصویب رسیده است که ماده ۱۰ آن به آزادی بیان مربوط می شود. در آن آمده است:

« هرکسی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی برای بیان و دریافت عقاید و بهرمندی از اطلاعات و افکار، بدون مداخله دولت ها و بدون ملاحظات سرحدی است. »

همچنین در قاره امریکا یک کنوانسیون امریکایی حقوق بشر وجود دارد که در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ به تصویب رسیده ماده ۱۳ آن راجع به آزادی بیان است.

منشور افریقای حقوق بشر هم که در ۱۲ جولای ۱۹۸۱ به تصویب رسیده ماده ۹ آن در مورد آزادی بیان است. موضوعات مطرح شده در این دو متن منطقه ای، همین مواردی است که در کنوانسیون اروپایی مطرح شده است. لازم به ذکر است که در سطح منطقه اروپا و امریکا محاکمی وجود دارد که ضمانت اجرایی این کنوانسیون ها و حقوق منطقه ای را به عهده دارند. در این زمینه در سطح منطقه آسیا و استرالیا متون منطقه ای تا فعلا وجود ندارد.

پ) آزادی بیان در متون بین المللی

در این بخش به متونی در سطح بین المللی اشاره می کنیم که ماده های از آن ها به آزادی بیان اختصاص دارد. از جمله می توان از اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نام برد. افغانستان نیز بعد از استقرار دولت آقای کرزی به این دو متن در سطح بین المللی ملحق شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ به تصویب رسیده است و ماده ۱۹ آن در مورد آزادی بیان است: « هر کس حق آزادی بیان و عقیده دارد و حق مذکور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسمبر سال ۱۹۶۶ است و ماده ۱۹ آن مربوط به آزادی بیان است که در سه بند به این موضوع اشاره شده است :

بند الف) هیچ کس را نمی توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت قرار داد.

بند ب) هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهی و خواه به صورت نوشته، چاپ و هنر یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود فرد می باشد.

بند پ) اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معین شود که در قانون تصویب شده و برای امور زیر ضرورت داشته باشد:

۱- احترام به حقوق دیگران

۲- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی و یا سلامت اخلاق عمومی

دریک نتیجه گیری کلی از متون داخلی، منطقه ای و بین المللی در مورد آزادی بیان می توان بیان داشت که عناصر اساسی آزادی بیان آزادی عقیده و آزادی اطلاعات است در آزادی اطلاعات هم سه عنصر اساسی در تمام این متون به چشم می خورد و آنها عبارت از آزادی جستجو، دریافت و انتشار است. تمام این متون به این عناصر تأکید دارند که در ادامه مطلب به بررسی آنها می پردازیم. در ضمن این متون دولت ها را حق مداخله در مورد آزادی بیان نمی دهند و ابراز عقاید و افکار را بدون در نظر گرفتن سرحدات آزاد می دانند. در عین حال در این قوانین محدودیت های نیز برای آزادی بیان وضع شده

تا از این آزادی سوء استفاده صورت نگیرد. مثال در این محدودیت ها احترام به حقوق دیگران، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی و اخلاق عمومی و سایر موارد در نظر گرفته شده است.

۴- عناصر آزادی بیان

آزادی بیان یکی از ضابطه های جامعه دیموکراتیک بوده و یکی از شرایط پیشرفت آن جامعه است و آزادی بیان برای شکوفایی انسان و برای پیشرفت هر جامعه ای چه در سطح فرهنگی و چه در سطح علمی و ادبی، ضروری به نظر می رسد. زیرا با بحث، گفتگو و انتقاد می توان زمینه بهبود را فراهم کرد، منع آزادی بیان باعث منع بحث و گفتگو آزاد می شود. با رجوع به متون بین المللی در مورد آزادی بیان می توان گفت که آزادی بیان دارای دو عنصر است:

الف) آزادی عقیده: آزادی بیان بدون آزادی عقیده نمی تواند معنا داشته باشد. آزادی عقیده به معنی داشتن آزادی برای ابراز عقاید و دیدگاه ها است بدون اینکه خطری متوجه شخصی بشود. این عقیده می تواند در عرصه های سیاسی، اجتماعی و غیره باشد. بنابراین پیش شرط آزادی بیان، آزادی عقیده است و در اغلب متون ذکر شده که: هیچ کس نباید از بیان عقاید خود ترس داشته باشد.

ب) آزادی اطلاعات: عنصر بعدی آزادی بیان است که جزء حقوق طبیعی است. در جامعه که آزادی اطلاعات وجود نداشته باشد چگونه می توان آزادی بیان داشت؟ در مورد آزادی اطلاعات باید گفت که این آزادی شامل سه دسته می شود:

۱- **آزادی پخش:** آزادی پخش پیش شرط اصلی آزادی اطلاعات است. در مورد آزادی پخش این مطالب در اروپا مطرح است: از آن جا که اساس جامعه دیموکراتیک بر تنوع افکار است بنابراین افراد باید آزاد باشند که بدون دخالت دولت ها عقاید و افکار خود را بیان کنند و اطلاعاتی را که مایل اند از طریق رسانه ها پخش کنند. بنابراین پخش پیام به هر صورتی باشد، چه به صورت افکار و عقاید علمی، سیاسی، اقتصادی ... به استثناء محدودیتهای خاص که مربوط نظم اجتماعی و تجاوز به حریم خصوصی افراد می شود، آزاد است.

۲- **آزادی دریافت:** این آزادی وابستگی تنگاتنگی با آزادی پخش دارد و بدون آن معنا هم ندارد. حقوق دانان معتقد اند که حق دریافت اطلاعات به هیچ عنوان نباید مختل شود. امروز برای شهروندان دریافت اطلاعات از حقوق اولیه شان محسوب

می شود. ولی با این وجود برای دریافت اطلاعات محدودیت های مرتبط با امنیت ملی، اسرار مهم نظامی دخالت در حریم خصوصی افراد، قضایای محاکم و سایر موارد وجود دارد.

۳- آزادی جستجو: انسان های قرن حاضر افراد جستجو گر اند و از نظر حقوقی حق مسلم افراد است که در جستجوی اطلاعات باشد .

۵- موانع آزادی بیان و اندیشه در جامعه

برای هر موضوع در اجتماع موانع و مشکلات وجود دارد. به دلیل وجود برخی از موانع به خصوص در جوامع کمتر توسعه یافته، آزادی بیان با مشکل مواجه می شود. این موانع شامل موارد ذیل می شود:

الف (جهل و نادانی: جهل و نادانی و عدم آگاهی انسان از امور زندگی خود، همواره از مهمترین عوامل پسماندگی افراد در اجتماع است. جهالت باعث می شود که افراد به افکار خرافی ندانسته پایبند بمانند و فکر و اندیشه آزاد نداشته باشند. مسلم است وقتی جهل و نادانی وجود داشته باشد آزادی بیان وجود نخواهد داشت.

ب (استبداد: نتیجه اتکاء به جهل و عدم خود باوری و اطمینان نکردن به نفس عزتمند انسانی، روی کار آمدن استبداد است. استبداد همواره مانع از گفتگو و اظهار نظر خواهد شد و بساطی فراهم خواهد کرد که در آن فرهنگ خود رأی در خانه و اجتماع برقرار شود. بدین ترتیب در استبداد چون ترس وجود دارد، آزادی بیان وجود نخواهد داشت، و اگر هم کسی آزادانه سخن گوید مورد مجازات قرار می گیرد.

پ (تعصب: تعصب نتیجه ارتباط بین جهل و استبداد است وقتی تعصب وجود دارد، فضای برای تنفس آزاد و آزادی بیان و اندیشه باقی نمی گذارد. فرد متعصب نیاز به اندیشیدن را نیازی زاید می داند و معتقد است تفکرات از پیش تعیین شده ای که در ذهنش وجود دارد او را از هر گونه گفتگو و آزاد اندیشی و تبادل افکار بی نیاز می کند.

ت) **عدم روحیه حقیقت گرایی:** توسل به تعصب در برابر استدلال و منطق مخالفین و جلوگیری از آزادی اندیشه و بیان روحیه عدم حقیقت گرایی را در آدمی افزایش می دهد، تعصب فرد را به صورت مزدوری در می آورد که تنها وظیفه دفاع از اندیشه و تقدسات خود را دارد، صرف نظر از این که آن تقدسات یا شیوه عمل درست است یا خیر؟ پس در صورت نداشتن روحیه حقیقت گرایی به هیچ عنوان آزادی بیان نمی تواند وجود داشته باشد. « (۴)

با بررسی موانع که برای آزادی بیان و اندیشه در جامعه مطرح شد می توان گفت: اگر این موانع در جامعه کمتر شوند زمینه برای آزادی بیان بیشتر مهیا می گردد. کم شدن جهل، نادانی، استبداد، تعصب و نداشتن روحیه حقیقت گرایی در جامعه باعث بالا بردن سطح فرهنگ و سواد آن جامعه می گردد.

۶- اصول آزادی اندیشه و بیان در قرآن

آزادی بیان را که غرب در این چند سده اخیر مطرح نموده است، اسلام نیز آن را بیان کرده و از آن حمایت می کند. اصول و مبانی آزادی اندیشه و بیان در قرآن در چند مورد بستگی دارد. « این موارد عبارتند:

الف) دعوت به اندیشیدن

بدون تردید اولین و اصولی ترین طرح قرآن برای آغاز آزادی اندیشه و بیان در جامعه، برچیدن بساط جهالت از بستر فرهنگ هاست و این میسر نیست، جز با عادت انسان ها به اندیشیدن. قرآن تلاش گسترده ای دارد تا انسان ها را به اندیشیدن پیرامون خود و محیط اطراف شان وادار سازد. آیات متبرکه ۹ ، ۲۱ ، ۲۲ سوره روم ، آیه ۲۶ سوره ذاریات، آیه ۹ سوره زمر، آیه ۲۴۲ سوره بقره ، آیه ۱۹۱ سوره آل عمران و آیه ۱۶ سوره رعد دلیل براین مدعا اند.

ب) دعوت به مناظره و گفتگو

در برابر ادعا های واهی اقوام دوران جاهلیت، قرآن آنها را به مناظره و گفتگو و بیان دلایل دعوت می کند. قرآن به صورت صریح و آشکار به مردم می گوید که عقاید خود را بیان نموده و از آن دفاع نمایید. آیه ۱۳ سوره هود، آیه ۲۳ سوره بقره، آیه ۱۶۴ سوره آل عمران، آیه ۱۱۱ سوره بقره و آیه ۱۱۷ سوره المؤمنون این موضوع را بیان می کنند.

پ) امر به معروف و نهی از منکر

امربه معروف و نهی از منکر، یک نوع آزادی بیان و عمل است که در یک جامعه اسلامی پدیدار می شود و طبق آن کوچکترین عضو جامعه حق اعتراض به انحرافات اجتماعی و اجرایی را دارد. می توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر آزادی را از اندیشه و بیان خارج نموده و آن را به چهارچوب عمل می رساند. آیات ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴ سوره آل عمران و آیات ۷۸ و ۷۹ سوره مائده در مورد امر به معروف و نهی از منکر اند.

ت) مبارزه با تعصب و دعوت به استدلال پذیری

قرآن مبارزه خود را با تعصب گرایبی کسانی که سعی می کنند با برتری دادن عقاید خویش به دیگران، آنها را محدود و محکوم به انزوا نمایند، آغاز می کند. قرآن مبارزه با تعصب را یکی از اصول و مبانی آزادی اندیشه و بیان می داند که اگر در جامعه تعصب از بین برود، آزادی بیان و استدلال پذیری رشد می یابد. آیه ۴۹ سوره حج، آیه ۱۸۸ سوره اعراف، آیه ۳۱ سوره هود، آیات ۲۳ و ۲۴ سوره زخرف و برخی دیگر از آیات متبرکه قرآن کریم این موضوع را بیان می کنند.

ث) احترام به اختلافات موجود بین عقاید انسانها

واقعیت وجود اختلافات در بین جوامع بشری و ظهور عقاید گوناگون از بطن جامعه، که برگرفته از فطرت درونی انسانهاست، توسط قرآن مطرح می شود. قرآن برای عقاید گوناگون احترام قایل شده و مسلمین و انسان ها را از حمله نمودن به عقاید رایج و توهین به آنها بر حذر می دارد. قرآن احترام به عقاید و شخصیت های گروههای مخالف را به عنوان یک اصل برای مسلمانان گوشزد می کند تا آنها بیاموزند که افکار و عقاید هرکسی قابل احترام است در صورت احترام گذاشتن به عقاید دیگران است که آزادی بیان در جامعه تحقق پیدا می کند. آیه ۶۴ سوره آل عمران، آیه ۱۴۸ سوره نساء، آیه ۱۰۸ سوره انعام، آیه ۵۳ سوره اسراء و برخی دیگر از آیات قرآن در باره این موضوع اند.

ج (روحیه ضد مجادله و یاوه گویی

یکی دیگر از حرکت های فکری قرآن در جوامع انسانی این است که روحیه جدل منفی و یاوه گویی را که برخاسته از عدم آگاهی انسان در مباحث مختلف می باشد، رد می کند. مقصود این است که اگر انسان ها بحث هم می کنند، روی موضوعات علمی و مهم باشد که ارزش بحث نمودن را داشته باشند. آیات ۵۶ و ۱۵۴ سوره کهف و آیات ۸ و ۹ سوره حج این موضوع را بیان نموده اند.

چ (سعه صدر

اگر چه بسیاری از افراد تحمل سخنان دیگران و شکیبایی در برابر عقاید آنها را ناشی از ضعف و ناتوانی می پندارند، اما قرآن کریم سعه صدر و تحمل عقاید دیگران را فضیلتی ذکر می کند که تنها شیوه انسانهای بزرگ منش می باشد. اگر به دستور قرآن ما حق ابراز آزادانه دیدگاه ها را به دیگران بدهیم، آزادی بیان تحقق خواهد یافت. آیات ۲۵ و ۲۸ سوره طه و آیات ۱ و ۲ سوره انشراح به این موضوع اشاره دارد.» (۵)

۷- محدودیت های آزادی بیان

آزادی بیان هم مثل سایر مسایل دارای محدودیت های است، اما در جستجوی آن هستیم تا معیار های حاکم بر این محدودیت ها را بیابیم. برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان قوانین بین المللی دو اصل را در نظر می گیرند.

اصل اول : سه شرط ضروری برای اعمال محدودیت

از بررسی ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مواد ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر که در همین فصل درمورد آنها صحبت شد، به این نتیجه می رسیم که اعمال هر نوع محدودیت بر آزادی بیان، پیش از هر چیز باید با شرایط سه گانه زیر صورت گیرد.

« به عبارت دیگر اگر دولتی در موردی آزادی بیان را به نحوی محدود کرده باشد که با این شرایط سه گانه منطبق نباشد مرتکب نقض مقررات بین المللی حقوق بشر گردیده است. این شروط سه گانه به این قرار اند:

الف (هر محدودیتی باید طبق قانون تعیین شده باشد. بدین معنا که:

۱- اعمال محدودیت باید طبق قوانین داخلی آن کشور پیش بینی شده باشد.

۲- این محدودیت برای عموم مردم به صورت روشن و صریح با وضوح کافی عرضه شده باشد.

۳- تجاوز یا تخطی از نتایج این محدودیت قانونی برای عموم قابل پیش بینی باشد.

ب) برای کشورهایی که به قوانین بین المللی ملحق شده اند، محدودیت تعیین شده باید براساس یکی از موارد مندرج در اسناد بین المللی باشد. مواردی بر شمرده شده در دوسند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از این قرار اند:

امنیت ملی و تمامیت ارضی ، سلامت عمومی و اخلاق ، پیشگیری از بی نظمی عمومی یا جرم، حمایت از حقوق و آزادی ها و حیثیت دیگران، حفظ اقتدار و بی طرفی دستگاه های قضایی ، آرامش عمومی ، جلوگیری از افشای اطلاعاتی که به صورت محرمانه دریافت شده اند.

پ) محدودیت باید در یک جامعه دیموکراتیک از ضرورت برخوردار باشد. به این معنا که محدودیت اعمال شده باید در پاسخ به یک نیاز جدی فعالیت اجتماعی باشد و در ضمن این محدودیت باید تناسب با این نیاز اجتماعی و از حد متناسب خارج نشود و هر دولت نیز باید دلایل عینی و کافی مبنی بر اصالت و جدیت موضوع ارائه کند.

بدین ترتیب یک دولت نمی تواند صرفا به این دلیل که محدودیتی طبق قانون داخلی پیش بینی شده باشد، علی رغم عدم انطباق آن با موارد بیان شده مثل امنیت ملی یا اخلاق، آزادی بیان را محدود کند.

اصل دوم : حقوق اقلیت ها در برابر اکثریت

دومین اصل کلی که در اعمال محدودیت ها باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که حتی بر فرض احراز شرایط سه گانه مندرج در اصل اول نمی توان از این محدودیت به عنوان ابزاری برای سرکوب دیدگاه اقلیت ها استفاده نمود.» (۶)

در این اصل احترام به حقوق اقلیت ها در نظر گرفته شده، بدین معنی که نظر اکثریت افراد در جامعه نمی تواند به نظریات اقلیت ها برتری داده شود. حتی اگر تمام عناصر که در اصل اول بیان شد وجود داشته باشند، اما محدودیت به منظور سرکوب نمودن نظریات اقلیت ها به کار برود، در این صورت این محدودیت غیر قانونی و مغایر با اصول بین المللی است.

در یک بررسی کلی در مورد مطالب این فصل باید بگوییم که آزادی بیان سنگ بنای تمام آزادی‌ها است. به هیچ عنوان نباید افراد را از ابراز آزادانه افکار و عقاید محروم نمود، زیرا آزادی بیان جزء آزادی‌های اساسی افراد به شمار می‌رود. اساس دیگر آزادی‌ها است به این دلیل که در صورت نبود آزادی بیان اشخاص حق انتقاد و دفاع از آزادی‌های دیگر را نخواهند داشت. و چنانچه آزادی و حقوق شهروندان ضایع شده باشد، اشخاص نخواهند توانست در دفاع یا افشای آنها حرف بزنند. آزادی بیان هیچ وقت نمی‌تواند محدود شود مگر به واسطه دولت‌های مستبد. در قرآن کریم، قوانین داخلی، قوانین منطقه‌ای و قوانین بین‌المللی بر آزادی بیان تأکید شده است. با بررسی این قوانین می‌توان گفت که برای آزادی بیان دو پیش‌نیاز وجود دارد: یکی آزادی عقیده و دیگری آزادی اطلاعات. آزادی اطلاعات نیز شامل آزادی جستجو، آزادی دریافت و آزادی پخش است. فقط به طور موقت زمانی که منافع عامه و حیثیت افراد به خطر افتد، می‌توان آزادی بیان را محدود نمود. از جمله موانع آزادی بیان در جامعه می‌توان از جهل و نادانی، استبداد، تعصب و نداشتن روحیه حقیقت‌گرایی نام برد. محدودیت‌های نظر به قوانین بین‌المللی برای آزادی بیان وجود دارد. محدودیت‌ها باید در قانون پیش‌بینی شده باشد. این محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین داخلی در تعارض با قوانین بین‌المللی نباشد. محدودیت‌های را که دولت‌ها خود بدون در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی در قانون پیش‌بینی می‌کنند اعتبار ندارد و در این محدودیت‌ها حقوق اقلیت‌ها باید در نظر گرفته شود.

فصل سوم

آزادی اطلاعات

۱- آزادی اطلاعات و تاریخچه آن

حق برخورداری از اطلاعات و لزوم آزاد بودن جریان آزاد اطلاعات، از جمله حقوقی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به عنوان مقوله های حقوقی رخ نموده و موجب افزایش اهمیت اصل آزادی رسانه شده است. همین طور به نظر می رسد که اصل آزادی بیان می تواند زیر بنا و زیر ساخت اصل آزادی اطلاعات در دوران انفجار اطلاعات و ارتباطات نوین قرار گیرد که لازمه آن دسترسی و دستیابی آزادانه به اطلاعات است. به عبارت دیگر اصل دسترسی آزاد به اطلاعات در عصر ارتباطات اهمیتی فزاینده یافته است که نیازمند تعمق و تأمل بیشتر است. بدون شک اطلاعات نقش مهمی را هم در توسعه انسانی ایفا می کند و هم در شکل دادن هویت و شخصیت انسانی و نیز توسعه فردی. همچنین اطلاعات با فراهم ساختن امکان تفکر و تحلیل وقایع و واقعیات تأثیر به سزایی در توسعه جوامع در رابطه با مسایل اجتماعی و فرهنگی ایفا می کند.

«در سال های اخیر با توجه به تحولات چشمگیر در حوزه اطلاعات و ارتباطات و امکاناتی که از طریق آنها در اختیار جوامع قرار گرفته، مباحث پیرامون حق دسترسی همگانی به اطلاعات و ضرورت برخورداری از آن گستره و عمق بیشتری یافته است. چیزی که مسلم است این است که هر فردی حق دارد که بگوید، بشنود، بنویسد و بخواند و در یک کلام اطلاعات بگیرد و اطلاعات بدهد و ارتباط برقرار نماید. بنیادی ترین اصل در هر کشور دیموکراتیک آن است که شهروندان بتوانند به واری و نظارت بر رفتار مأموران دولتی بپردازند. شرط این کار دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات مورد نیاز است، آزادی اطلاعات شامل حق دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار نهاد های دولتی است، دیر زمانی است که نه تنها به عنوان عاملی قطعی در تحقق دیموکراسی، حسابرسی و مشارکت مؤثر بلکه به عنوان یک حق بنیادین بشری نیز به رسمیت شناخته شده و قوانین اساسی و بین المللی از آن حمایت می کنند. بنیان حق دسترسی به اطلاعات بر این اصل استوار است: دولت نه مالک، بلکه امانت دار اطلاعات است. در جوامع دیموکراتیک شهروندان به حکومت اعتماد می کنند تا اطلاعات را در جهت مصلحت و منفعت آنان مرتب و گرد آوری کند. حق دسترسی به اطلاعات در پیوند با حق آزادی بیان نیز هست. از همین رو در متون مربوط به این موضوع آمده است که: اگر چیزی برای بیان وجود نداشته باشد، آزادی بیان بی معناست.

در مورد تاریخچه قانون آزادی اطلاعات باید بگوییم که از سویدن آغاز می شود. در سال ۱۷۶۶ پارلمان این کشور قانون آزادی مطبوعات را تصویب کرد. در این قانون افشای اسناد دولتی به درخواست متقاضیان پیش بینی شده است. کلمبیا نیز قانون آزادی اطلاعات را در ۱۸۸۸ به تصویب رسانید که در آن به افراد اجازه می داد اطلاعاتی را که در نهاد های حکومتی با آرشیف های حکومتی است، درخواست کنند. ایالات متحده امریکا قانون آزادی اطلاعات را در سال ۱۹۶۷ تصویب کرد. استرالیا، کانادا و نیوزیلاند همگی در ۱۹۸۲ این قانون را تصویب کردند.

شماری از کشورهای آسیایی نیز قانون آزادی اطلاعات را به تصویب رسانیدند. فیلیپین در ۱۹۸۷، هانگ کانگ در ۱۹۹۵، تایلند در ۱۹۹۷، کوریای جنوبی در ۱۹۹۸ این قانون را به اجرا گذاشتند.

در دهه های گذشته بسیاری از حکومت های جهان خود را در برابر آزمون شفاف شدن قرار داده اند و در بیشتر کشورهای دنیا قوانین جامع برای دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات دولتی به تصویب رسیده است.» (۷)

۲- آزادی اطلاعات در قوانین داخلی افغانستان

در مورد حق دسترسی به اطلاعات و آزادی اطلاعات در قوانین داخلی افغانستان مانند قوانین سایر کشورها مواردی به مشاهده می رسد.

قانون اساسی افغانستان در ماده ۵۰ در مورد حق دسترسی به اطلاعات آمده است: « اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام این قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق و امنیت عامه حدودی ندارد...»

ماده پنجم قانون رسانه های همگانی افغانستان نیز در مورد آزادی اطلاعات بیان می دارد: « هر شخص حق دارد معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنابر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه می شود، به دسترس آنان قرار می دهد مگر این که معلومات مطالبه شده راز محرم بوده و افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید.»

پس در مورد آزادی اطلاعات و معلومات در قانون اساسی و قانون رسانه ها تأکید شده و دولت را موظف به ارائه اطلاعات به مردم دانسته اند. اما در این زمینه استثناء های قایل شده اند که اگر اطلاعات مورد نظر، امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی را به خطر اندازد و یا به حقوق سایر افراد جامعه تجاوز نماید، نباید این اطلاعات داده شود.

۳- حق دسترسی به اطلاعات

حق دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق مسلم افراد به شمار می رود و نتیجه عملی اصل آزادی اطلاعات می باشد. تمام شهروندان دارای حق مساوی در بدست آوردن اطلاعات اند. «نخستین مباحثات در ضرورت حق دانستن از زبان مدیسون یکی از رهبران سیاسی ایلات متحده امریکا چنین بیان شده است: «یک حکومت مردمی بدون اطلاعات مردمی، و وسایل به دست آوردن آن یا تراژیدی است، یا کمیدی، یا هردوی آن. مردمی که می خواهند بر خود حکومت کنند باید با قدرت آگاهی مجهز باشند.»

دوتن از محققین و حقوق دانان امریکایی در کتاب حقوق ارتباط جمعی خود می گویند:

«اگر مسؤلان حکومتی، در هر سطحی، کارهای شان را در خفا انجام دهند، در حقیقت خود را از حسابرسی افکار عمومی مصئون داشته اند اگر پنهان کاری بر سیاست های حکومتی مستولی شد، واژه های کهنه «استبداد» و «خفقان» مصداق واقعی خود را در باره انسان ها مدرن باز خواهد یافت. بی عدالتی، قدرت بی حساب و کتاب، بی توجهی به نیازها و حقوق انسان ها، بی کفایتی و فساد، همگی در خفا رخ می دهند. جامعه دیموکراتیک تمامی استدلال ها را برای این که بخش اعظم اطلاعات دولتی برای واری و بررسی، همگانی و در دسترس باشد، در اختیار دارد.»

« حق دسترسی به اطلاعات را می توان توانایی شهروندان در به دست آوردن اطلاعاتی که در اختیار دولت است تعریف کرد. برخی از کشورها این حق را در قوانین اساسی و یا دیگر قوانین به رسمیت شناخته اند و برخی نه. حتی در کشورهای که حق دسترسی به رسمیت شناخته شده است، بدون استثناء با محدودیت های مواجه است. چنین استدلال می شود که دسترسی به اطلاعات، عنصر بنیادین در یک حکومت دیموکراتیک است. زیرا برقراری و شکوفا شدن دیموکراسی مستلزم آن است که شهروندان به اندازه کافی از اعمال و سیاست های حکومت خود آگاه شوند.» (۸)

بسیاری به این اعتقاد اند که آزادی بیان یک حق بنیادین بشری است. به نظرآنان منشاء این باور را می توان در ابزار های بین المللی تضمین کننده حقوق بشر یافت. مهمترین این ابزارها اعلامیه ها و کنوانسیون های بین المللی است که در بخش آزادی بیان درمورد آنها صحبت شد. از همین روست که آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از عناصر تحقق آزادی بیان تلقی می شوند و از آن تفکیک ناپذیرند. چرا که، اطلاعات اگر بیان و پخش نشود بیهوده و محرمانه می ماند و همین طور گفتاری که در دسترس افراد قرار داده نشود، انعکاس نخواهد داشت. در هر دو مورد نفس آزادی رعایت نشده است.

به اعتقاد صاحب نظران گرچه می توان حق دسترسی به اطلاعات را به طور ضمنی از تضمین های ملی و بین المللی در زمینه آزادی بیان استنباط کرد، با وجود این حفظ تمایز مفهومی این دو مهم است و آزادی بیان و آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات مفاهیمی در هم تنیده اند، لیکن مفاهیمی یکسان نیستند. زیرا آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات نتیجه و انعکاس مستقیم آزادی بیان هستند. به خاطر اینکه بیان آزاد فایده عملی داشته باشد باید اشخاص حق دریافت مطالب بیان شده را داشته باشند: باید آزاد باشند تا اطلاعات را پخش و منعکس نمایند و باید آزاد باشند که به اطلاعات پخش شده دسترسی یابند. از همین رو قانون ویژه ای برای تضمین آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات تدوین شده است که به آن می پردازیم.

۴- اصول نه گانه آزادی اطلاعات

نهاد (ماده ۱۹)^۱ که نام خود را از اصول ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اقتباس کرده است، یک نهاد مدنی غیر دولتی فعال در زمینه معرفی و تبیین آزادی اطلاعات است. آدرس این نهاد در بخش ضمایم همین نوشته آمده است. « این نهاد در جون ۱۹۹۹ معیار هایی را برای قانون حق دسترسی به اطلاعات تدوین و منتشر کرد. این معیار ها بلافاصله در گزارش سال ۲۰۰۰ گزارشگر ویژه سازمان ملل در موضوع آزادی بیان مورد تأیید قرار گرفت. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در موضوع آزادی بیان نیز معیارهایی را تعیین کرده است و از آنها به عنوان مبانی و معیار های بنیادین تأمین دسترسی مؤثر به اطلاعات یاد کرده است. این اصول نه گانه که بنیان آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات بر آنها استوار است به این شرح است:

اصل اول: افشای حداکثر

بنابر قانون آزادی اطلاعات باید افشای حداکثر اطلاعات در یک کشور وجود داشته باشد.

اصل افشای حداکثر بر دو پیش فرض استوار است:

- تمامی اطلاعاتی که در اختیار یک نهاد دولتی است باید در معرض افشاء قرار گیرد.
- تنها در شرایط بسیار محدود و ویژه ای می توان پیش فرض اول را نادیده گرفت.

^۱ - Article ۱۹

اصل حد اکثر افشاء منطق بنیادین نهفته در مفهوم آزادی اطلاعات را بیان می کند. این اصل همچنین عصاره این آرمان است که قوانین اساسی باید دسترسی به اطلاعات دولتی را به عنوان یک حق بنیادین تضمین کند. طبق این اصل شهروندان باید از حق مساوی برای دریافت اطلاعات برخوردار باشند. اعمال این حق مربوط به این نمی شود که شهروندان علاقه ای نسبت به اطلاعات ابراز نمایند. در هنگامی که یک مقام دولتی اطلاعاتی را مخفی می کند باید اثبات کند که این اطلاعات از جمله موارد استثناء و محدودیت های پیش بینی شده در قانون است.

اصل دوم: الزام به انتشار

نهاد های دولتی همواره باید ملزم به انتشار اطلاعات کلیدی باشند.

تحقق آزادی اطلاعات مستلزم آن است که نهاد های دولتی نه تنها به درخواست دریافت اطلاعات پاسخ مثبت دهند، بلکه باید اسناد، مدارک و اطلاعات مورد توجه عموم را به طور مستمر منتشر کنند. به عنوان یک حداقل، دستگاه های دولتی، باید ملزم به انتشار اطلاعات در موضوعات زیر شوند:

ح. اطلاعات عملیاتی در باره چگونگی فعالیت نهاد های دولتی، شامل هزینه ها، هدف ها، صورت های مالی

حسابرسی شده، استندرد ها و دستاورد ها و نظایر آن؛

خ. اطلاعات در باره تقاضا ها، شکایت ها و یا موضوعات دیگری که شهروندان می توانند به طور مستقیم در باره

دستگاه های دولتی مطرح کنند؛

ح. شیوه ها و رویه های که از طریق آن شهروندان می توانند پیشنهاد های خود را درباره نهاد های مورد نظر و

ضرورت تغییرات قانونی در کارکرد آن ارائه دهند؛

ح. انواع اطلاعاتی که دستگاه مورد نظر در اختیار دارد و شکل بندی آنها؛

ح. اطلاعات مربوط به هر تصمیم و یا سیاستی که بر زندگی عموم تأثیر دارد، همراه با دلایل؛

اصل سوم: تقویت حکومت شفاف

نهاد های دولتی باید فعالانه حکومت شفاف را تقویت نمایند.

برای تحقق هدف های قانون آزادی اطلاعات، آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیز تقویت فرهنگ «شفاف سازی» در ساختار حکومت امر ضروری است. بدین معنی که نهاد های دولتی به صورت شفاف و روشن اطلاعات مورد نیاز مردم را در اختیار آنان قرار دهند و پنهان کاری در کار های حکومت وجود نداشته باشد.

اصل چهارم : دامنه محدود مورد های استثناء

استثناء ها بر اصل آزادی اطلاعات و حق دسترسی باید به طور دقیق در قانون پیش بینی شوند.

درخواست های دسترسی به اطلاعات دولتی در همه موارد باید اجابت شود، مگر آن که نهاد های دولتی مورد نظر بتوانند اثبات کنند که درخواست، از جمله استثناء های پیش بینی شده در قانون است. برای این که درخواستی از جمله استثناء ها قرار بگیرد باید این دو ویژگی را داشته باشد:

- اطلاعات درخواست شده با هدف های مشروعی که در قانون مورد توجه قرار گرفته است، ارتباط مشخص داشته باشد.
- افشای اطلاعات، آسیب جدی به هدف مورد اشاره وارد آورد.
- آسیبی که به هدف می رسد (در صورت افشاء) باید ضرر جدی و پراهمیت تری از اهمیت منافع عمومی در دسترسی به اطلاعات مورد نظر، داشته باشد.

اصل پنجم: آسان کردن دسترسی به اطلاعات

درخواست دسترسی به اطلاعات باید به سرعت و بدون ایجاد مانع و مشکلی عمدی به جریان بیفتد. در عین حال وقتی در خواستی رد می شود، درخواست کننده باید از امکان طرح موضوع در مرجعی مستقل برخوردار باشد. فرایند تصمیم گیری در باره تقاضا ها دسترسی به اطلاعات باید در سه سطح اجرایی مستقل قابل بررسی باشد: درون دستگاه دولتی که اطلاعات را در اختیار دارد، قابل تجدید نظر در یک نهاد اجرایی مستقل و قابل استیناف در محکمه. همچنین در قانون باید تسهیلات لازم برای کسانی که نمی توانند بنویسند و یا بخوانند با زبان سند آشنا نیستند و یا از معلولیت های همچون نا بینایی رنج می برند پیش بینی شود.

اصل ششم: هزینه ها

هزینه های سنگین نباید مانع درخواست دسترسی به اطلاعات شود.

از آنجا که هدف قانون آزادی اطلاعات، تقویت دسترسی باز به اطلاعات مورد نیاز است، بنابراین هزینه های که از سوی نهادهای دولتی برای دراختیار نهادن اطلاعات تعیین میشود، نباید آنچنان زیاد باشد که درخواست کننده را از گرفتن اطلاعات باز دارد.

اصل هفتم: مذاکرات علنی

جلسه های نهاد های حکومت باید علنی باشد.

آزادی اطلاعات مشتمل بر حق دانستن همگان نیز هست، به این معنا که شهروندان باید بدانند حکومت به انجام چه اموری مشغول است و بتوانند در فرایند های تصمیم گیری مشارکت فعال داشته باشند. بنابراین قانون آزادی اطلاعات باید بر پیش فرض های علنی بودن همه جلسه های دستگاه حکومت استوار باشد.

اصل هشتم: اولویت با افشاء است

قوانین ناهماهنگ با اصل انتشار حداکثر باید اصلاح یا لغو شود.

کارکرد مناسب قانون آزادی اطلاعات، نیازمند تفسیر قوانین دیگر به گونه ای هماهنگ با مفاد این قانون است. در صورتی که این امر ممکن نباشد، باید قانون دیگر را مورد بازبینی قرار داد.

اصل نهم: حمایت از هشدار دهندگان

در جامعه کسانی اند که در مورد تخلفات افراد هشدار می دهند و جنایات این افراد را منتشر می کنند، باید این هشدار دهندگان حمایت شوند.

این افراد باید در برابر هر گونه مجازات قانونی، اجرایی و یا استخدامی به دلیل افشای اطلاعات مربوط به خلاف کارها محافظت شوند. مقصود از خلاف کاری ارتکاب جرم، پیروی نکردن از الزام های قانونی، فریبکاری در یک نهاد دولتی است.» (۹)

اصول نه گانه آزادی اطلاعات که از طرف سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسیده است، از آن می توان به عنوان استندرد های مطلوب در مورد آزادی اطلاعات یاد نمود. این اصول بعد قانونی و اجباری ندارد ولی اگر در مواد آن دقت شود می تواند به عنوان معیار های اساسی برای آزادی اطلاعات در کشورها مورد توجه قرار گیرد.

۵- سازمان ملل متحد و آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات از ابتدا به عنوان یک حق بنیادین از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد و در طول سال های متمادی سازمان ملل متحد به آزادی اطلاعات تأکید خاص نموده است. «اگر به سال های قبلی توجه شود دیده می شود که در سال ۱۹۴۶، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای ۵۹ را تصویب کرد که بیان می داشت:

«آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری است و ...سنگ بنای تمامی آزادی هایی است که سازمان ملل وقف آن است.»

در ۲۳ مارچ ۱۹۴۸ کنفرانس بین المللی در باره آزادی اطلاعات در ژنف تشکیل شد که در آن نمایندگان ۵۷ کشور جهان شرکت داشتند. در دستور کار کنفرانس ژنف چهار نظریه مختلف در برابر هم قرار داشت:

۱- نظریه آزادی گرای کامل آمریکایی ها

۲- نظریه خدمات عمومی دولت متعلق به شوروی

۳- نظریه آزادی گرای های نوین متعلق به فرانسه

۴- نظریه های میانه رو کشورهای جهان سوم

در طول کنفرانس نظریه آمریکایی ها بر سایرین غلبه کرد. طبق نظریه آمریکایی ها، آزادی باید به صورت کامل وجود داشته باشد و موارد استثناء باید بسیار محدود باشد که شوروی ها مخالف این نظریه بودند. ولی با وجود این نظریه آمریکایی ها اکثریت را به دست آورد. البته آزادی اطلاعات نه تنها به عنوان یک اصل مجزا در میان ابزار های حقوق بشر، بلکه به صورت بخشی از حقوق بنیادین آزادی بیان مطرح گردید.

بربنیان اصول مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، در سال ۱۹۹۳ کمیسیون حقوق بشر، دفتر گزارشگر ویژه سازمان ملل در موضوع آزادی عقیده و بیان را تأسیس کرد و عابد حسین را به مسئولیت این دفتر گمارد. در آغاز سال ۱۹۹۵ گزارشگر ویژه خاطر نشان کرد:

« حق جستجو ویا دسترسی به اطلاعات یکی از اساسی ترین عناصر آزادی بیان است.»

در سال ۱۹۹۷ گزارشگر ویژه سازمان ملل در گزارش سالانه خود مبحثی را در مورد حق آزادی اطلاعات گنجانیده است: « گزارشگر ویژه یکبار دیگر تأکید می کند که تمایل بسیاری از حکومت ها به دریغ کردن اطلاعات از مردم با دست زدن به اقداماتی همچون سانسور به دقت بررسی شود. »

گزارشگر ویژه سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ در گزارش سال خود اعلام داشت: « حق جست و جو، دریافت و انتشار اطلاعات، الزام مثبتی را به دولت ها برای تضمین دسترسی به اطلاعات تحمیل می کند، به ویژه با توجه به اطلاعاتی که به تمامی اشکال ذخیره سازی و سیستم های باز سازی در اختیار دولت است. »

گزارشگر ویژه در سال ۱۹۹۹ در اعلامیه مشترک با سایر نهاد ها بیان داشت: « موضوع تلویحی در آزادی بیان برای دسترسی باز به اطلاعات و آگاهی این موضوع است که حکومت ها از طرف آنها چه می کنند. بدون این حق واقعیت تحلیل می رود و مشارکت مردم در حکومت ناقص باقی می ماند.» (۱۰)

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۰۰ خود، آزادی اطلاعات را به عنوان یک حق انسانی بیان و موضوعاتی را خاطر نشان می سازد، که حکومت ها باید در مورد قوانین موجود تجدید نظر نمایند که موضوعات مهم بررسی شده در اصول نه گانه آزادی اطلاعات بیان شد.

۶- یونسکو و آزادی اطلاعات

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) از بدو تأسیس بر ارزش های مطرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پا فشاری نموده و بر ضرورت آزادی بیان و ملازم آن آزادی اطلاعات تأکید کرده است. برای مثال «در متن اعلامیه معروف اصول بنیادین در رابطه با مساعدت وسایل ارتباط جمعی در تقویت صلح، مفاهیم بین المللی، تقویت حقوق بشر و مبارزه با نژاد پرستی، آپارتاید و تحریک به جنگ و با یاد آوری قطعنامه ۵۹ سازمان ملل یونسکو بیان می دارد:

« آزادی اطلاعات نیاز به عنصر ضروری اراده و ظرفیت بهرمندی از امتیازات آن به دور از سوء استفاده دارد. آزادی اطلاعات به عنوان یک روش بنیادین نیازمند یک الزام اخلاقی است، الزام به جست و جوی حقایق بدون پیشداوری و اشاعه دانش بدون نیت سوء و مغرضانه. »

درسالهای اخیر یونسکو توجه ویژه خود را به تحولاتی بنیادین در عرصه اطلاعات و ارتباطات معطوف نموده است تحولاتی که از رهگذر آن امکان بالقوه دسترسی جهانی و همگانی را به اطلاعات و منابع آگاهی فراهم آورده است. یونسکو کوشیده است ضمن ارج نهادن به دستاورد های این تحولات با تبیین نابرابری میان و درون کشورها در دسترسی به منابع و زیر ساخت های آن، تأکید بر ضرورت پاسداری از ارزش های انسانی، اخلاقی، فرهنگی توجه عموم را به راهکار های غلبه بر موانع دسترسی همگانی به اطلاعات جلب کند و از پی آمد های سوء احتمالی بکاهد. سومین کنگره بین المللی یونسکو که در نومبر ۲۰۰۰ دایر گردید، راجع به اخلاق اطلاعات بود، در آن در مورد دسترسی به اطلاعات آمده است:

« مذاکره کننده گان در کنگره بار دیگر اهمیت و ارتباط مسایلی مطرح در کنگره را در توسعه جامعه اطلاعاتی تأیید کردند. آنان قویا بر ضرورت حفظ و تقویت حقوق بشر محیط نوین دیجیتال اطلاعات و ارتباطات تأکید کردند. در موقعیت کنونی، حق دسترسی به اطلاعات برای همگان همچنان یک حق بنیادین باقی می ماند که می باید با کار آمدی بیشتر و تصویری از روح برابری، عدالت و احترام متقابل حمایت می شود. »

یونسکو نقش دولت ها را در پخش و دسترسی به اطلاعات خیلی مهم می خواند. همچنین یونسکو در مورد اطلاعات می گوید: « اطلاعات همچون یک کالای عمومی جهانی است و بنابراین باید در اختیار عموم قرار بگیرد. » یونسکو همچنین در مورد نقش قدرت های ملی در دسترسی به اطلاعات می گوید: « این قدرت ها وظیفه در دسترس قرار دادن اطلاعات را به عهده دارند. » (۱۱)

مشاهده می شود که سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل و یونسکو در مورد اطلاعات و دسترسی به آن توجه خاص دارند و این بیانگر اهمیت فراوان اطلاعات در توسعه کشورها است. گرچه از سوی این سازمان ها تلاش های فراوان در زمینه دسترسی به اطلاعات صورت می گیرد، اما هر روز فاصله بین ثروت مندان اطلاعاتی و فقرا اطلاعاتی فراوان و فراوانتر می شود. عده که اطلاعات بیشتر در اختیار دارند قدرت بیشتر هم در اختیار آنان است و کشورهای فقیر آنچنان که باید از دسترسی به اطلاعات محروم اند. این تفاوت نه تنها در بین کشورها بلکه در داخل خود کشورها در میان مناطق روستایی و شهری، در بین زنان و مردان، در بین ثروتمندان و فقرا، در بین تحصیل کرده ها و بی سوادان و... به شدت به چشم می خورد . در یک بررسی کلی در مورد موضوع آزادی اطلاعات می توان بیان نمود که آزادی اطلاعات در هر جامعه ای باید وجود داشته باشد و تمامی افراد جامعه بدون تبعیض از حق دسترسی به اطلاعات برخوردار باشند به جز آن مواردی که به حریم خصوصی افراد صدمه بزند و امنیت کشور را به خطر اندازد. دولت ها به هیچ عنوان حق ندارند از دادن اطلاعات به مردم خود داری نمایند. مگر در موارد استثنائی که ذکر شد. زیرا که دولت امانت دار اطلاعات است نا مالک آن. در قانون اساسی

و قانون رسانه های همگانی افغانستان نیز به آزادی اطلاعات تأکید شده است. حق دسترسی به اطلاعات را می توان توانایی شهروندان در به دست آوردن اطلاعاتی که در اختیار دولت است تعریف کرد. اصول نه گانه آزادی اطلاعات در گزارش سال ۲۰۰۰ سازمان ملل به تصویب رسید که در آن به افشاء حد اکثر، الزام به انتشار، تقویت حکومت شفاف، محدود بودن موارد استثناء، آسان کردن دسترسی به اطلاعات، کم بودن هزینه ها، مذاکرات علنی نهاد های حکومتی ، اولویت بخشیدن به افشاء و حمایت از کسانی که اطلاعات را منتشر می کنند ، تأکید شده است. نهاد های بین المللی مثل یونسکو و سازمان ملل متحد همواره از آزادی اطلاعات حمایت نموده اند.

فصل چهارم

جرایم رسانه ای و استثناء های آزادی رسانه ها

۱ - جرایم رسانه ای

آزادی در هیچ جا به شکل مطلق وجود ندارد و لازم است که ضوابط داشته باشد. همین گونه برای رسانه ها هم نمی توان به هیچ عنوان آزادی مطلق را در نظر گرفت. قسمی که در بخش های قبلی در قوانین، بحث آزادی بیان بررسی شد، برای آزادی بیان محدودیت های در چهارچوب قانون وضع شده است. در تمام قوانین داخلی کشورها از جمله در قانون رسانه های همگانی، موارد مشخص شده که اگر دست اندرکاران رسانه ها این موارد را در نظر نگیرند، مرتکب تخلف شده اند و از نظر قانونی باید مورد مجازات قرار گیرند. درست است که اصل بر آزادی بیان است اما نباید از این آزادی سوء استفاده کرد. زیرا این سوء استفاده می تواند به نظم جامعه و حقوق افراد در اجتماع صدمه وارد کند. قبل از این که انواع جرایم رسانه ها را بررسی کنیم لازم است بدانیم جرم و جرایم رسانه ای چیست؟

تعاریف و نظریات متعدد در مورد جرم وجود دارد به صورت خلاصه جرم عبارت از هرنوع نقض قوانین کیفری می باشد و جرم رسانه ای جرمی است که در قانون رسانه ذکر شده باشد و بوسیله دست اندر کاران رسانه ها صورت می گیرد.

عناصر تشکیل دهنده هر جرم عادی سه مورد است: عنصر مادی جرم، عنصر معنوی جرم و عنصر قانونی.

عنصر معنوی: بدین مفهوم است که فرد با اراده خود، در صورت سالم بودن از نظر روانی و رسیدن به سن قانونی، مرتکب یک عمل خلاف قانون شود.

عنصر مادی جرم: عبارت از قصد و اراده است که فرد برای ارتکاب یک جرم دارد. اما خود قصد داشتن به تنهایی جرم نیست. ولی وقتی به اراده تبدیل شد و به مرحله اجرا گذاشته شد، جرم محسوب می شود.

و عنصر قانونی جرم: بدین مفهوم است که جرم را قانون از قبل تعیین کرده باشد، اگر فردی مرتکب عملی شد که در زمان ارتکاب وی این جرم در قانون تعریف نشده بود، ولی در زمان حال قانون جدید آن عمل را جرم شناخت، چون در زمان ارتکاب آن عمل چنین قانونی وجود نداشت، عمل شخص جرم محسوب نشده و وی را نمی توان محکوم کرد.

در جرم رسانه ای به اضافه این عناصر رکن علنی ساختن و انتشار هم باید وجود داشته باشد و عمل انتشار است که عنصر اصلی جرایم رسانه ای را تشکیل می دهد. یعنی عنصر انتشار نیز در بخش مادی اضافه می شود. اگر مسئولین رسانه ها مطلبی را آماده

نشر می کنند و انتشار نمی یابد، چون رکن اصلی آن یعنی انتشار وجود نداشته جرم محسوب نمی شود. پس زمانی که مطلب یا گزارش تهیه می شود و به صورت خصوصی مانده و انتشار نمی یابد یک جرم محسوب نمی شود.

قسمی که در بحث های قبلی دیدیم به آزادی بیان و رسانه ها احترام گذاشته می شود به استثناء مواردی که با سوء استفاده از این آزادی در قانون مشخص شده است. در اغلب قوانین رسانه ای در جهان یک فهرستی از جرایم رسانه ها آورده می شود، به دلیل این که از آزادی رسانه ها سوء استفاده صورت نگیرد. اگر تعداد و تعریف جرایم رسانه ای مشخص باشد، بسیار بهتر از این است که خبرنگار نداند چه عملی جرم است و نا خود آگاه آنرا انجام بدهد. به همین علت است که طبق ماده ۲۷ قانون اساسی افغانستان هیچ عملی جرم به شمار نمی رود مگر این که توسط قانون تعریف شده باشد.

۲- انواع جرایم رسانه ای

قبل از هر چیز باید بدانیم که تقسیم بندی های متعددی را نظریه پردازان در مورد جرایم رسانه ها انجام داده اند که یک نوع آن این است که جرایم رسانه ها را می توان بر حسب محتوی و مقررات تأسیس آنها تقسیم بندی نمود :

الف) جرایم مربوط به محتوای رسانه ها

این دسته از جرایم، شامل تخلفاتی می شود که در مورد نشر مطالب و موضوعات رسانه ها اتفاق می افتد و مربوط به محتوای رسانه هاست. در مورد محتوای رسانه معمولا در بین تمام قوانین رسانه ای جهان چند مورد مشترک است که آنها را بررسی می کنیم و در بخش های که قوانین داخلی افغانستان چیزی در این موارد بیان داشته آنها را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- امتناع از درج پاسخ به شکایت افراد

اگر در رسانه ها یک موضوع به شخص نسبت داده شود، از نظر قانون رسانه ها فرد حق پاسخ گویی را دارد. اگر مسئولین رسانه ها از درج و انتشار پاسخ افراد در رسانه ها خود داری می کنند مرتکب تخلف شده اند. در قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده ۴۰ آمده است: « مدیر مسئول مکلف است تساوی حقوق بین انتقاد کننده و انتقاد شونده را در رسانه مربوط اعم از چاپی و برقی رعایت نماید.»

بدین ترتیب اگر کسی انتقاد می کند و فردی که در این جا مورد انتقاد قرار گرفته هر دو باید حق مساوی در ابراز گفته های خود داشته باشند. اگر رسانه ها موضوعی انتقادی را از یکی از جوانب قضایا منتشر کنند و سخنان فرد مورد انتقاد را نا دیده گیرند مرتکب جرم شده اند.

همچنین در بند ۲ ماده هفتم این قانون آمده است: « رسانه مربوطه بدون تأخیر جواب را طور رایگان در عین رسانه در شماره یا نشریه بعدی به نشر بسپارد.»

در ماده هشتم این قانون مواردی را ذکر می کند که رسانه می تواند از نشر پاسخ خودداری کند: ۱- جواب خارج از موضوع بحث باشد. ۲- جواب دیرتر از نود روز به رسانه رسیده باشد.

۲- افتراء به اشخاص، نهاد های دولتی، محاکم و اردو

افتراء به معنی تهمت زدن است: اگر رسانه ای به اشخاص، نهاد های دولتی، محاکم و اردو تهمت بزند و نتواند ادعا خود را ثابت کند، مجرم شناخته می شود و جرم سنگین مرتکب شده است. طبق قوانین سایر کشورها رسانه ای که این عمل را مرتکب شود هم باید به طور رسمی عذر خواهی نموده و هم جریمه پرداخت کند.

در قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده ۴۵ در بند چهارم آمده است: « آثار و مطالبی که افتراء به اشخاص حقیقی یا حکمی بوده و سبب متضرر شدن شخصیت و اعتبار آنان گردد نشر آن در رسانه ممنوع است.» ولی باید یاد آور شد که در مورد افتراء به نهاد دولتی، محاکم و اردو در قانون رسانه های افغانستان چیزی بیان نشده است.

۳- توهین به اشخاص، نهاد های دولتی محاکم و اردو

در صحنه اجتماعی برای سلامت روند دیموکراتیک شایسته است که گفتگو ها و حتی انتقاد ها با حفظ احترام جانین صورت گیرند. توهین در هر جای یک عمل نامناسب به شمار می رود. معمولاً در لست جرایم رسانه ای در سایر کشورها در مورد توهین ماده ای وجود دارد. در قانون رسانه های همگانی افغانستان نیز در بند سوم ماده ۴۵ آمده است: « آثار و مطالبی که موجب هتک حرمت، تحقیر و توهین به اشخاص حقیقی یا حکمی گردد، نشر آن در رسانه ممنوع است.» جرایمی که در این قانون نیست به قانون اساسی و قانون جزا رجعت داده است. وقتی به قانون جزا مراجعه کنیم دیده می شود که در مورد توهین مواردی به چشم می خورد. در ماده های ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶ و ۲۴۸ این قانون، توهین توسط رسانه ها به اشخاص و

نهاد ها ممنوع و جرم پنداشته می شود. در این ماده ها آمده است که اگر رسانه ها به ملت افغان، بیرق افغانستان، رئیس جمهور، رؤسای دولت، نمایندگان رسمی دولت، لویه جرگه، اردو، محاکم، مؤظفین خدمات عامه و سایر ارگان ها های دولتی توهین نمایند، مورد مجازات قرار می گیرند.

پس رسانه ها باید این موضوع را در نظر داشته باشند که با سوء استفاده از آزادی رسانه ها نمی شود به هر فرد و نهادی که بخواهند توهین نمایند.

اما جای این سؤال باقی است که کدام سخن ها فقط انتقاد یا مخالفت در چهارچوب دیموکراتیک هستند و کدام می توانند توهین تلقی شوند و در نتیجه جرم؟

در قوانین بهتر این خواهد بود که اگر صحبت از افتراء توهین و سایر واژه های کلی می گردد قانون گذار از آنها تعریف نیز ارائه کند که منظور از توهین چیست تا از این واژه های کلی تعبیرهای متفاوت صورت نگیرد.

۴- تشویق به نفرت و تبعیض نژادی

تشویق افراد به قوم گرایی و تبعیض نژادی وحدت ملی و امنیت عمومی یک کشور را به خطر می اندازد و رسانه ها حق ندارند به هیچ عنوان تبعیض نژادی و خشونت را گسترش دهند. در صورتی که رسانه ها به موضوعات تفرقه برانگیز مانند این موضوع دامن زنند به وحدت ملی صدمه زده و عمل خلاف انجام داده اند و باید مورد توبیخ قرار گیرند.

طبق ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان « هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. »

در قانون جزا افغانستان نیز در ماده های ۲۳۳ و ۲۴۵ در این مورد می خوانیم: « شخصی که مردم را به تبعیض یا تفرقه مذهبی قومی یا لسانی دعوت نماید، مورد مجازات قرار می گیرد. همچنین شخصی که توسط یکی از وسایل علنی به ایجاد عداوت بین افراد قبیله یا بین قبایل تحریک نماید به جزای که از طرف این قانون تعیین شده محکوم می گردد. »

در باب موضوع تبعیض نژادی و تفرقه مشاهده می شود که قانون اساسی و قانون جزا افغانستان برخورد نموده و دلیل آن این می باشد که افغانستان از اقوام مختلف ساخته شده و تفرقه اندازی بین اقوام آن می تواند استقلال و وحدت ملی را به خطر اندازد.

۵- تبلیغ خشونت و جنگ

جنگ پدیده ای است که خشونت بار بوده و مسلماً عواقب ناگواری را نیز برای کشورها در پی دارد. تبلیغ جنگ و خشونت از طریق رسانه خلاف اخلاق رسانه ای و خلاف قانون رسانه های افغانستان نیز است. در ماده ۳۳ قانون رسانه های همگانی افغانستان مصوب سال ۱۳۸۴ در بند ۳ آمده بود: « تبلیغ خشونت و جنگ وسایر مواردی که مخالف احکام قانون اساسی بوده و یا قانون جزا آن را جرم دانسته باشد، ممنوع است. »

ولی این موضوع در قانون جدید مصوب ۱۳۸۸ از لست مطالب ممنوعه باز مانده است.

۶- افشاء هویت و تصاویر قربانیان

قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده ۴۵ در بند هفتم افشاء هویت و پخش تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز را به نحوی که به حیثیت اجتماعی آنان صدمه وارد نماید، توسط رسانه ها ممنوع می داند. البته در قوانین داخلی سایر کشورها نیز پخش تصاویر، اسامی و در مجموع هویت افرادی که قربانی یک جنایت اند، بدون اجازه خود آنان ممنوع است. زیرا همان گونه که در قانون رسانه ها نیز آمده است، در این موارد به حیثیت اجتماعی افراد صدمه وارد می شود و رسانه نباید تصاویر و هویت قربانیان جنایات را منتشر نمایند.

۷- تعریف طرفدارانه از جنایت ها و تخلفات

در هر جامعه ای جنایت و تخلف وجود دارد و رسانه ها باید به عنوان یکی از نهاد های مهم اجتماع برای مبارزه با این جنایت ها و تخلفات اقدام نمایند. یکی از وظایفی را که نظریه پردازان برای رسانه ها بر شمرده اند وظیفه راهنمایی جامعه است. براساس آن طرفداری رسانه ها از جنایت ها حقوق سایر افراد را به خطر انداخته و اعتبار آنان را در بین مردم کم می سازد. در اغلب کشورها تعریف طرفدارانه از جنایت برای رسانه ها ممنوع اعلام شده است. در قوانین داخلی افغانستان در ماده ۲۳۴ قانون جزا آمده است که تحریک مردم به ارتکاب جرم و جنایت توسط یکی از وسایل نشر علنی جرم محسوب می شود. این ماده قانون جزا تحریک نمودن مردم به جرم و جنایت از طریق رسانه ها را ممنوع دانسته که به طور ضمنی از

آن می توان استنباط نمود که در این صورت تعریف طرفدارانه از جرم و جنایت توسط رسانه ها ممنوع است. بهر حال رسانه ای اگر به این کار مبادرت ورزد، در حقیقت رسالت خود را فراموش نموده است.

قانون رسانه های همگانی در ماده ۴۵ در بند ۸ به طور ضمنی به این موضوع اشاره نموده است: « آثار و مطالبی که به امنیت روانی و سلامت اخلاقی افراد جامعه خصوصاً اطفال و نوجوانان آسیب می رساند ممنوع است.»

۸- لطمه بر اصل بیگناهی افراد

یکی از اصول بسیار مهم و اساسی در هر جامعه رعایت اصل بیگناهی افراد است. زیرا تمام افراد فطرتاً بی گناه اند، مگر در مواردی که محکمه با صلاحیت با اتکاء به قانون گناهکاری شخص را ثابت کند. برای حفظ اصل بیگناهی اشخاص در مواردی که شخص به یک جرم مظنون است رسانه ها به هیچ عنوان حق ندارند که کلمه محکوم و یا مجرم را در مورد آن شخص به کار ببرند. حتی در مواردی که جرم مشهود است و تحقیقات هم تکمیل شده باز هم فرد از اصل براءت الذمه (اصل بیگناهی) برخوردار است. اما زمانی که محکمه باصلاحیت فرد را در فیصله نهایی محکوم شناخت، می توان از کلمات نظیر محکوم و متهم استفاده کرد. حالا سؤال پیش می آید که دلیل این کار چیست؟ ممکن است فرد پس از صدور حکم محکمه بی گناه ثابت شود و رسانه ها اگر به حیثیت شخص لطمه وارد نموده و وی را بی جهت متهم نامیده باشند، باید هم عذر خواهی نموده و هم جریمه پرداخت نمایند. اما این تشویش وجود دارد که در نظر عموم شک و تردید در مورد بی گناهی شخصی که قبلاً مجرم معرفی شده باقی بماند.

در ماده ۲۵ قانون اساسی و در ماده ۴ قانون جزا افغانستان نیز بر این موضوع تأکید شده است: « براءت الذمه حالت اصلی است. فرد تا وقتی به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته باشد بی گناه شناخته می شود. » همچنین در قانون اجراءات جزایی محاکم افغانستان در ماده ۴ آمده است: « از آغاز اقامه دعوی جزایی الی تثبیت مسؤلیت جرمی که شخص به حکم نهایی محکمه محکوم علیه قرار می گیرد، بی گناه پنداشته می شود. »

پس با توجه به قوانین داخلی افغانستان ملاحظه می شود که اصل بی گناهی افراد فوق العاده مهم است و رسانه ها به هیچ عنوان نباید این اصل را نادیده گیرند. زیرا لطمه زدن بر اصل بی گناهی هم با قوانین داخلی کشور وهم با قوانین بین المللی مغایرت دارد.

۹- لطمه بر استقلال و اقتدار دستگاه قضایی

دخالت های بی مورد رسانه ها در مسایل قضایی می تواند پی آمد های سوء بر جا گذارد و بر استقلال دستگاه قضایی صدمه وارد نماید. این جرم رسانه ای در اغلب قوانین رسانه ای جهان آمده است. در قانون جزا افغانستان ماده های ۲۴۹، ۲۵۰ و

۲۵۱ وظایف رسانه ها را در مورد دستگاه های قضایی مشخص نموده و موارد ممنوع را بیان می کنند:

- اگر توسط رسانه ها به مقام، حیثیت و یا سلطه قاضی در رسیدگی به دعاوی اخلال وارد شود.
- اگر توسط رسانه ها مطالبی نشر شود که قابلیت تأثیر بر قضات، مأمورین، شهود و افکار عامه را در بررسی قضیه مورد نظر داشته باشد به شکلی که بی طرفی اشخاص را از بین برده و به نفع و یا ضرر یکی از طرفین دعاوی باشد و به صورت عمدی این مطالب نشر شود.
- اگر توسط رسانه ها جریان علنی دعاوی مدنی یا جزایی که از طرف محکمه سری تعیین شده باشد، نشر شود.
- اگر به وسیله رسانه ها قسمتی از اجراءات قضایی که نشر آن به منظور محافظت نظم و آداب عامه توسط محکمه ممنوع شده است، نشر شود.

توسط قانون جزا این موارد جرم شناخته شده و اشخاصی را که از طریق رسانه ها به نشر این موارد می پردازند، مستحق جزا می داند.

۱۰- تعرض بر زندگی و حریم خصوصی افراد

یکی از موضوعات بسیار مهم در مورد رعایت حقوق انسانها احترام به حریم خصوصی آنان است. اگر فردی به منظور جمع آوری شواهد و مدارک به حریم شخصی افراد تجاوز کند، چه خبرنگار باشد و چه فردی دیگر یک جرم را مرتکب شده و باید مجازات شود. همانگونه که در مباحث گذشته دیدیم دین مقدس اسلام هم تجاوز به زندگی خصوصی افراد را منع قرار داده است. در قوانین افغانستان در مورد حریم خصوصی به صورت مستقیم چیزی نیامده ولی ماده های است که به گونه ای غیر مستقیم به این موضوع اشاره دارد.

در ماده ۲۴، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ قانون اساسی آمده است: آزادی و کرامت انسانی، محرمانه مخابرات و مراسلات اشخاص، مسکن شخصی، ملکیت شخصی از تعرض مصون است .

همچنین در ماده‌ها ۴۴۵ و ۴۴۶ قانون جزا افغانستان نیز بر عدم افشاء اسرار زندگی شخص و محرمانه‌ی مخابرات و مراسلات افراد تأکید شده است.

اگر ما در مجموع تمام موارد را با هم جمع ببندیم در حقیقت می‌بینیم که حریم خصوصی افراد را موارد ذیل تشکیل می‌دهند:

الف- مخابرات و مراسلات شخص

ب- زندگی شخصی و خصوصی افراد

ج- مسکن شخصی

بدین لحاظ بر تمام دست‌اندرکاران رسانه‌ها واجب است تا با رعایت موارد قانون اساسی و قانون جزا حریم خصوصی افراد را محترم شمرده و از هر گونه تعرض به زندگی شخصی افراد پرهیز نمایند.

۱۱- توهین به مقدسات دینی و ادیان الهی

احترام به مقدسات دینی در اغلب قوانین در نظر گرفته شده است. در قوانین رسانه‌ها در جهان مانند سایر قوانین، توهین به مقدسات دینی یک نوع جرم به حساب می‌آید. در قانون رسانه‌های همگانی افغانستان نیز در ماده ۴۵ در بند ۱ و ۲ در این مورد آمده است: « ۱- آثار و مطالبی که مغایر با اصول و احکام دین مقدس اسلام باشد، ۲- آثار و مطالبی که موجب توهین به سایر ادیان و مذاهب باشد ممنوع است. »

با توجه به این که دین اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان دین اسلام می‌باشد، تأکید خاص بر احترام و عدم توهین به آن شده است. بر علاوه دین اسلام، به توهین نمودن به سایر ادیان نیز در قانون رسانه‌های افغانستان توصیه شده است. در این خصوص بر رسانه واجب است که اصل عدم توهین به مقدسات دینی و ادیان الهی را رعایت نمایند. همچنین در بند ۴ این ماده تبلیغ و ترویج ادیان دیگر غیر از دین مقدس اسلام نیز ممنوع شده است.

۱۲- فاش نمودن اسرار ملی

در هر کشوری یک تعداد اسراری وجود دارد که باید سری بماند، مانند اسرار ملی، نقشه معادن کشور، مواضع دفاعی، پایگاه‌های نظامی و سایر موارد حساس نظامی، سیاسی و یا اقتصاد ملی. در اغلب کشورها فاش نمودن این اسرار ملی جرم رسانه‌ای به حساب می‌آید. اگر رسانه‌ها این اسرار را فاش نمایند به کشور خود خیانت نموده‌اند و مورد مجازات قرار می‌گیرند. در

ماده ۵ قانون رسانه های همگانی افغانستان آمده است: « هر شخص حق دارد معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنا بر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه می شود، به دسترس آنان قرار می دهد مگر این که معلومات مطالبه شده محرم بوده و افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید. »

در این ماده از قانون رسانه به طور آشکار و صریح بیان شده است که دولت حق دارد در مواردی که اسرار و راز مهم در کار باشد اطلاعات در اختیار مردم قرار ندهد. در قانون رسانه ها جرم رسانه ای تحت عنوان فاش نمودن اسرار ملی توسط رسانه ها نیامده است، اما در ماده ۵ قانون رسانه ها دیده می شود که دولت، از دادن معلوماتی که با فاش نمودن اسرار ملی همراه باشد معاف دانسته شده است.

۱۳- تشویق به خودکشی

خودکشی یک عمل قبیح و ناپسند است و در بین اکثریت مردم دنیا عمل نامناسب به حساب می آید. اگر رسانه ها افراد را به خودکشی تشویق نموده و یا به تمجید از خودکشی بپردازند، مرتکب یک عمل خلاف شده اند و در این صورت به وظیفه راهنمایی خود در مورد جامعه خوب عمل ننموده اند. در مورد « تشویق به خودکشی » توسط رسانه ها به عنوان یک جرم رسانه ای در قوانین داخلی افغانستان چیزی به چشم نمی خورد، ولی در قوانین رسانه ای کشورهای مثل فرانسه و برخی از کشورهای دیگر، این مورد به عنوان یک جرم رسانه ای مطرح شده است.

۱۴- لطمه بر استقلال ، تمامیت ارضی ، امنیت ملی و نظم عمومی

مواردی مانند لطمه وارد نمودن رسانه ها به استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی و نظم عمومی نیز در برخی از قوانین داخلی کشورها به عنوان جرایم رسانه ای پیش بینی شده است که از جرایم مهم نیز به شمار می رود. زیرا هر کدام از این موارد یاد شده مربوط به حیات تمام ساکنان یک کشور می شود. در قانون اساسی افغانستان در ماده ۵۹ در رابطه به این موضوع چنین آمده است: « هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند ». بدین ترتیب یکی از موارد بسیار مهم از جرایم در قانون اساسی افغانستان، در این ماده بیان شده است که عدم رعایت این مسئله برای تمام اتباع افغانستان از جمله برای دست اندر کاران رسانه ها به عنوان جرم قلمداد می شود.

با تعریف های این چنین کلی و غیر دقیق، جای تشویش است که در چه حالاتی مطالب تهیه شده توسط رسانه ها که می توانند شکل انتقادی نسبت به سیاست های حکومت را داشته باشند، به عنوان انتقادی ساده و یا به عنوان جرم تجاوز به استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی و نظم عمومی کشور تلقی خواهند شد.

بر علاوه جرایمی که ذکر شد یک تعداد دیگر از جرایم برای رسانه ها در قانون جزا افغانستان پیش بینی شده است که در ماده های ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۷ و ۲۵۲ این موارد به عنوان جرم برای رسانه ها در نظر گرفته شده است: نشر مطالب مخالف اخلاق و فساد اخلاقی، دعوت مردم به فتنه، آشوبگری، عصیان و تمرد، نشر اخبار، بیانات کاذب، تبلیغات مغرضانه یا پروپاگندا های تحریک آمیز، دشنام دادن به نمایندگان دولت های خارجی، نشر جلسات سری پارلمان و یا مباحثات علنی بدون امانت داری.

ب) جرایم مربوط به تأسیس رسانه ها

قانون رسانه های همگانی برای تأسیس رسانه ها در افغانستان رعایت تشریفات و ضوابط خاص و لازمی را تصویب نموده است. مانند ارسال اعلامنامه تأسیس رسانه، معرفی مدیر مسئول و سایر تعهداتی که مربوط به تأسیس رسانه ها می شود. در ماده دهم بند ششم قانون رسانه های افغانستان در مورد مقررات تأسیس آمده است که اگر اشخاص بدون رعایت احکام این قانون به تأسیس رسانه های چاپی اقدام کنند، مکلف به پرداخت جریمه می شوند و حتمی در خلال دوهفته باید رسانه خود را ثبت کنند.

در مجموع یک نکته مهم را در باره جرایم رسانه ای همواره باید در نظر داشت که جرایم اهمیت یکسانی ندارند. مثال عدم معرفی مدیر مسئول جرم سبک تر است، نسبت به این که یک رسانه اسرار نظامی یک مملکت را در زمان جنگ افشاء کند و حیات ساکنان آن کشور به خطر افتد.

یک موضوع مهم در این جا مطرح است و آن این است که مفاهیم مطرح شده در قوانین داخلی افغانستان بسیار کلی است و هر کسی آنرا به نحوی تفسیر می نماید. مطلوب است که تمام جرایم به صورت مشخص در قانون رسانه ها بیان شود تا سوء تعبیری در این زمینه به وجود نیاید.

۳- در جرایم رسانه ای مسئول چه کسی است؟

هنگامی که در رسانه ها مطالبی به نشر می رسد که جرم محسوب می شود، این سؤال پیش می آید که مسئول این جرم و خطا چه کسی است؟ به موجب ماده ۲۶ قانون اساسی افغانستان جرم یک عمل شخصی است، در نتیجه معمولاً تنها شخصی که مرتکب عمل جرم شده مجرم محسوب می گردد.

اما باید بدانیم که در رسانه ها این گونه نیست. چرا موضوعاتی که در رسانه ها منتشر می شود، حاصل تلاش چندین نفر است. در ضمن ممکن است نوشته ای در روزنامه ها بدون امضاء باشد. برای رفع این مشکل قوانین رسانه ها سعی بر این کرده اند که اشخاص مسئول را در صورت وقوع جرم از قبل تعیین کنند:

الف - در قوانین رسانه ای در دنیا خسارت مالی را مالکین رسانه ها می دهند و مؤظف به پرداخت آن هستند.

ب - در کنار خسارت مالی خسارت معنوی نیز است هنگامی که رسانه ای مرتکب جرم می شود باید بتواند در جامعه قبول مسئولیت کند. در مورد قبول مسئولیت در قوانین سایر کشورها ابتدا مدیرمسئول بعد نویسنده موضوع، رئیس اداره نشر یا چاپ خانه، و در روزنامه ها حتی روزنامه فروش و عامل توزیع نیز مسئول اند.

در ماده ۳۹ قانون رسانه های همگانی افغانستان آمده است: « مدیر مسوول در برابر نشر مضامین محتویات، برنامه و تولید پروگرام های هنری، آموزشی و تبلیغاتی خویش در رسانه های همگانی یا موسسات مسوول می باشد. »

در قانون جزا یک مقدار بیشتر در این مورد توضیح داده شده است. در قانون جزا افغانستان در ماده ۲۳۷ آمده است: « هرگاه جرایم مندرج در قانون توسط روزنامه ها صورت گیرد مدیر مسئول و نویسنده به صفت فاعلین اصلی به مجرد نشر محکوم می شوند و اگر فاعلین اصلی تشخیص شده نتواند طبع کننده، توزیع کننده و عرضه کننده مجازات می شوند. » اما این که در مورد جرایم رسانه های مانند رادیو، تلویزیون و تلویزیون ها کیلی چه باید کرد؟ در این قانون و سایر قوانین کشور نیامده است. زیرا قانون جزا ۳۰ سال قبل به تصویب رسیده و در آن زمان نه تلویزیون در افغانستان وجود داشت و نه تلویزیون های کیلی .

۴- چه سازمان هایی باید به جرایم رسانه ای رسیدگی نمایند؟

در مباحث قبلی یکی از عناصر را که برای آزادی رسانه ها بر شمردیم، رسیدگی به جرایم رسانه ای با حضور هیأت منصفه از ژورنالیستان بود که در اکثریت کشورهای دنیا در حال حاضر در محاکم هیأت منصفه از یک گروه کاری خاص مانند داکتران طب برای رشته خود شان و ژورنالیستان برای گروه کاری خودشان حضور دارند.

در افغانستان برای رسیدگی به جرایم رسانه ای در بند اول ماده ۴۱ قانون رسانه های همگانی آمده است: «به منظور طرح و تدوین پالیسی رسانه ای کشور، شورای عالی رسانه ها به ترکیب وزیر اطلاعات و فرهنگ، معین مسلکی وزارت مخابرات، نماینده ستره محکمه، نماینده وزارت عدلیه، دو نفر از مشرانو جرگه، یک نفر عالم جید دینی به نمایندگی از شورای علماء و دو نفر مسلکی و با تجربه ژورنالیزم از جامعه ژورنالیستان و دو نفر دیگر از جامعه مدنی با پیشنهاد آنان برای مدت سه سال ایجاد می گردد.»

همچنین در بند اول ماده چهارم و دوم این قانون آمده است: «به منظور تنظیم بهتر فعالیت رسانه های همگانی کمیسیون رسانه های همگانی به ترکیب هفت نفر عضو از میان شخصیت های مسلکی با تحصیلات عالی و با تجربه ژورنالیزم با در نظر داشت ترکیب قومی و جنیستی ایجاد میگردد.»

بدین ترتیب در قوانین افغانستان هم جرایم تا حدودی مشخص شده است و هم نحوه بررسی آن. اما چیزی که مبهم است این است که مفاهیم مطرح شده در جرایم بسیار کلی است و احتیاج به روشنی بیشتر و زمان دارد. اگر به کشورهای توسعه یافته دنیا توجه نمایم، این معضلاتی را که ما امروز درگیر آن هستیم، آنها نیز این چنین معضلاتی را پشت سر گذاشته اند. در این کشورها سالها طول کشیده که محاکم متعدد رسانه ای تشکیل گردد و رویه قضائی در این زمینه ایجاد شود. خبرنگاران، افرادی عادی جامعه و دولت مردان به محاکم مراجعه می کنند. رسانه ها علیه دولتمردان و افراد شکایت می کنند و محاکم رأی می دهند. رویه قضائی که در طول دهها سال ایجاد شده نمونه های دعوا های رسانه ای را مشخص می کند. به طور مثال چه مواردی توهین محسوب می شود یا هتک حرمت به چه مواردی گفته می شود.

بدین ترتیب است که در کشورهای توسعه یافته موارد جرم به تدریج تعریف می شود و بر مبنای آرائی که محاکم صادر می کنند و نظریات حقوق دانان، موارد جرم مشخص و تعریف می شود. همان گونه که در سایر زمینه ها افغانستان احتیاج به زمان دارد، در زمینه بدست آوردن رویه قضائی نیز هر محکمه که تشکیل می شود، یک تجربه خوب بدست می دهد و می تواند مبنای خوبی برای سایر موارد بررسی جرایم رسانه ای باشد.

۵- سانسور

در فصل اول یاد آور شدیم که یکی از عناصری که آزادی رسانه ها را محدود می سازد، سانسور قبل از انتشار است. سانسور بیشتر در نظام پیشگیری رسانه ها وجود دارد و در کشورهای که نظام استبدادی و کمونستی وجود دارد، سانسور به مشاهده می

رسد. در این کشورها موضوعاتی که از طریق رسانه ها منتشر می شود باید از قبل توسط مأمورین با صلاحیت دولت کنترل شوند. حتی در گذشته نیز در اروپا رسانه های چاپی توسط نهاد های مذهبی مانند کلیسا و نهاد های غیر مذهبی بازرسی و کنترل می شد.

در فرهنگ های مختلف معانی سانسور آمده است. در فرهنگ فارسی کامل سانسور به معنی « هرنوع مراقبت دولت به انتشارات و رسانه ها » آمده است. در فرهنگ معین سانسور این گونه تعریف شده است: « تفتیش و مراقبت در مطالب کتب، جراید، فلمها و نمایشنامه ها به وسیله دولت و حذف مطالب که ضد منافع دولت است. »

منظور ما از سانسور در این نوشته هرنوع کنترل و نظارت دولت بر محتوایی رسانه ها است. سانسور در حقیقت نقض آزادی بیان است، به جز مواردی که در قانون داخلی یک کشور مشخص شده باشد. شرط درست بودن قوانین داخلی هم در این است که در تناقض با قوانین بین المللی نباشد. بدین معنا که یک دولت مستبد ممکن است با اختیار که در دست دارد قوانین را تصویب نماید که این قوانین بازگو کننده خواسته های غیرمعقول این دولت بوده و با قوانین بین المللی در تضاد باشد، در این صورت است که سانسور دولت بر محتوایی رسانه ها نیز درست نخواهد بود.

در جهان توسعه نیافته چیزی که در بحث سانسور بسیار مهم می باشد، این است که پدیده خود سانسوری زیاد به مشاهده می رسد. یا به عبارت دیگر قبل از اقدام دولت به سانسور مطالبی نشریات، دست اندر کاران رسانه ها خود از بیان آزاد مطالب بیم و هراس دارند و خود دست به سانسور حقایق می زنند. شاید به این دلیل که در جوامع توسعه نیافته در طول سالهای متمادی حکومت های مستبد وجود داشته و استبداد صدای آزادی را خفه نموده است. پس در این جوامع خبرنگاران با این فرهنگ که در خانه، مکتب و محیط کار استبداد وجود داشته، بزرگ شده اند و این جرأت را به خود نمی دهند که آزادانه سخن گویند و دست به خود سانسوری می زنند.

همانطور که قبلا نیز متذکر شدیم، افغانستان کشوریست که نظام رسانه های آن آزادی گرا است و نظام حقوقی رسانه های آن نظام تنبیهی است. در این کشور سانسور پیش از چاپ روی مطالب نشریات وجود ندارد. ولی در اغلب موارد، پدیده خود سانسوری به مشاهده می رسد. زیرا افغانستان نیز مانند برخی از کشورهای دیگر دوران طولانی استبداد را پشت سر گذاشته است و اثرات استبداد هنوز هم در این جامعه وجود دارد. علاوه بر آن در حال حاضر، در برخی موارد خود سانسوری ممکن است برای جلب رضایت کسانی باشد که تمویل کننده رسانه اند.

۶- استثناء های آزادی رسانه ها

ما در بخش های قبلی در مورد آزادی رسانه ها و همچنین سانسور رسانه ها نیز صحبت نمودیم. ولی همواره این موضوع را باید در نظر داشت که در برخی موارد استثنائی می توان آزادی رسانه ها را محدود نمود. این موارد در کشورهای غربی به عنوان اصول از پیش تعیین شده مورد تأیید قرار گرفته است. حتی در کشورهای که نظام تنبیهی رسانه ها وجود دارد، موارد استثنائی وجود دارد که در آن آزادی رسانه ها محدود می شود. قانون گذاران نیز دلایل موجه برای این کار خود دارند. در قوانین برخی از کشورها این موارد استثنائی به قرار ذیل اند:

الف) استثناء های مربوط به شرایط غیر عادی

در یک شرایط خاص و استثنائی که اوضاع غیر عادی باشد، آزادی رسانه ها محدود می شود. حالت هایی مانند جنگ، حکومت نظامی و حالت فوق العاده جزء این شرایط غیرعادی به حساب می آید. در این حالت ها آزادی رسانه ها برای حفظ استقلال، تمامیت کشور، امنیت ملی و نظم عمومی محدود می شود.

در زمان جنگ شرایط خاص است و انتشار هر خبری چه عمدی و چه غیر عمدی ممکن است، امنیت کشور و حیات ساکنان آن را به خطر اندازد. لذا موضوعاتی که در زمان جنگ از طریق رسانه ها منتشر می گردد، باید کنترل شود. حتی در این شرایط پخش برخی از رسانه ها ممکن است به صورت موقت متوقف گردد.

در زمان حکومت نظامی هم به دلیل مسایل امنیتی پخش رسانه ها می تواند زیر کنترل دولت صورت گیرد. در حالت های که شورش در راه باشد یا جنگ در پیش باشد، در یک کشور حکومت نظامی اعلان می گردد و به منظور حفظ نظم تمام اداره یک مملکت به بخش نظامی واگذار می گردد.

در این شرایط نیز آزادی رسانه ها طبق قوانین کشورهای غربی به شکل استثنائی به طور موقت، محدود می گردد.

در قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده هفدهم در مورد حالت اضطرار آمده است: « در حالت اضطرار اداره رادیو تلویزیون ملی افغانستان به طور کامل زیر نظر رئیس جمهور عمل می نماید.»

ب) استثناء های مربوط به برخی نشریات خاص

استثناء های دیگری که آزادی رسانه ها در آن محدود می شود، مربوط به برخی از رسانه های خاص مانند رسانه ای مربوط به کودکان و نوجوانان، رسانه های خارجی و رسانه های مربوط به مسایل و موضوعات قضائی است.

در رسانه های که مطالب مربوط به کودکان را درج می کنند، هرگونه مسایلی با جنبه ای غیر اخلاقی و فلم های خشونت آمیز ممنوع است. اگر این مسایل برای کودکان نمایش داده شود، خلاف اخلاق رسانه ها می باشد. به طور مثال در ماده ۲ قانون مطبوعات مصوب ۱۶ جولای ۱۹۴۹ فرانسه آمده است: « نشریات ویژه کودکان و نوجوانان نباید هیچ گونه تصویر، داستان، گزارش، ستون مخصوص و مطلبی در هواداری از تبهکاری، دروغ، دزدی، تبلی، بی بند وباری، نفرت، هرزگی یا تمام اعمالی که جنایت و جرم را محسوب می شوند و با به نحوی با عث انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان می گردند ... منتشر کنند.» (۱۲)

در برخی از کشورها برای رسانه های خارجی و یا رسانه های داخلی که به زبان خارجی نشر می شوند و یا برای اتباع خارجی که رسانه تأسیس می کنند، مقررات استثنائی خاص وجود دارد. در قوانین افغانستان فقط برای اتباع خارجی که رسانه تأسیس می کنند باید با موافقه وزارت اطلاعات، فرهنگ و توریسم باشد. ولی درباره سایر موارد چیزی در قوانین بیان نشده است. درباره این موارد استثنائی به طور مثال در برخی از کشورها مقررات خاص برای پخش و توزیع رسانه های خارجی وجود دارد.

در بخش رسانه که حاوی مسایل قضائی اند نیز استثناء های در پخش مطالب وجود دارد. در اغلب کشورها رسانه هایی که مسایل قضائی را منتشر می کنند به طور استثنائی مورد نظارت قرار می گیرند. اگر استثناء در بخش مسایل قضائی وجود نداشته باشد ممکن است به حفظ آبروی اشخاص و حتی به روند سالم و بی طرفانه محکمه صدمه وارد شود.

در یک نتیجه گیری از مبحث جرایم رسانه ای و استثناء های آزادی رسانه باید خاطر نشان نمود که اگر رسانه ها بدون در نظر گرفتن قوانین یک کشور به بخش هرگونه مسایل بپردازند در حقیقت اصول و معیارهای اخلاقی را زیر پا گذاشته اند. جرایم رسانه ای در قانون رسانه های اغلب کشورها پیش بینی شده است. در قانون رسانه های افغانستان نیز باید به صورت واضح و روشن بیان شود که چه چیزهای از نظر قانون جرم است. به طور قطعی دست اندر کاران رسانه ها باید از جرایم با خبر باشند، تا محدود فعالیت خود را بدانند. درست است که سانسور عملی است که آزادی رسانه ها را محدود می کند، اما در برخی موارد به طور استثنائی باید آزادی رسانه های محدود شود. یک دسته از استثناءها مربوط به شرایط خاص مثل جنگ، حکومت نظامی و حالت فوق العاده است. دسته ای دیگر استثناءها مربوط به رسانه های خاص مثل نشریات کودکان، رسانه های خارجی و رسانه ها حاوی مسایل قضائی اند.

فصل پنجم

اخلاق رسانه ای و کاپی رایت

بخش اول - اخلاق رسانه ای

۱- مفهوم اخلاق و اخلاق رسانه ای

اخلاق مجموعه قواعدی است که در طول ادواری از زندگی یک جامعه و اندیشه های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آن را محترم شمرده و کم و بیش به معرض اجرا در می آورند. تخلف از اخلاق وجدان اکثریت جامعه را متألم و ناراحت می کند. مبنای اخلاق ترویج خوبی و کاهش بدی ها است. اخلاق بیش از آن که فردی باشد پدیده ای است اجتماعی. جامعه شناسی، اخلاق اجتماعی را یکی از گونه های هنجار دانسته که جامعه نقض آنها را نا پسند می شمارد.

اخلاق رسانه ای شاخه جدید ولی مهم از اخلاق حرفه ای است و این اخلاق جزء جدایی ناپذیر حرفه روزنامه نگاری است و می تواند راهگشا و راهنمای روزنامه نگار در تمامی عرصه های مختلف کسب، تنظیم و نشر خبر باشد. از آن جا که اصول اخلاق، متأثر از عقاید باور ها، رسوم و عرف جوامع است، لاجرم اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری نیز در هر حوزه جغرافیای ویژگی ها و مشخصات خاص خود را داراست. به بیان دیگر آزادی میدان عمل روزنامه نگار در هر جامعه ای توسط چهارچوبی مشخص می شود که ابعاد و اضلاع آن را اصول و ضوابط اخلاقی همان جامعه معین کرده است.

اخلاق و قانون در بررسی های اجتماعی دو مقوله نزدیک هم ارزیابی می شوند. برخی براین باور اند که بسیاری از قوانین ریشه در اخلاق و عرف جاری جوامع دارند. برخی هم عقیده دارند که اخلاق و اصول اخلاق حرفه ای باید جایگاهی بالاتر از قانون داشته باشند.

در باب رسانه ها مهمترین بحث این است: «دست اندر کاران رسانه ها بدون این که قوانین را نقض کرده باشند به شیوه های بسیار مرتکب تخلف می شوند. مانند عدم دقت، دروغگویی، تحریف، جهت گیری، تبلیغات، سوء تبعیض، حسی نگری، ساده و سهل انگاری، لغزش در رعایت ادب، هرزگی و بی نزاکتی، ابتذال، تبعیض جنسی، نژاد پرستی، ترس یا تنفر، حملات شخصی، بد نام کردن شخصیت ها، فریبکاری، و دخالت در امور شخصی.» (۱۳)

تمام مواردی که ذکر شد مثال هایی هستند که در رسانه ها باعث عدم رعایت نکات اخلاقی می شوند و در برخی موارد حتی پیگرد قانونی هم ندارند. ولی به طور قطع باید بیان نمود که اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری را زیر پا می نهند.

۲- پیشینه تاریخی اخلاق رسانه ای

« در فرهنگ های اروپایی از هنگام پیدایش نشریات در قرن های پانزدهم و شانزدهم اخلاقیات مربوط به حقوق، مسئولیت ها، آزادی و مقررات رسانه ای مورد بحث بوده اند. در این بحث ها بیشتر به دو عرصه توجه شده است. اخلاقیات حرفه ای که با آموزش متخصصان رسانه ای مرتبط بوده است و تیوری های ارزشی و فلسفی در زمینه ارتباطات عمومی که به تعهدات حرفه ای دست اندرکاران رسانه ها می پردازد. ارزش های حرفه ای اخلاقی، از اوایل دهه ۱۹۲۰ به بعد به صورت مدون در آمدند. در حال حاضر این قوانین مدون در حدود شصت کشور در سراسر جهان وجود دارند.

چندین سازمان غیر دولتی و میان دولتی به تلاش هایی در جهت طرح قواعد اخلاقی منطقه ای یا بین المللی دست زده اند. ظاهراً قدیمی ترین این قواعد، اصول اخلاقیات روزنامه نگاری^۲ بود که در اولین کنفرانس مطبوعاتی قاره امریکا در سال ۱۹۲۶ در واشنگتن برگزار گردید.

در سال ۱۹۳۰ زمانی که چندین سازمان حرفه ای به پیگیری طرح های برای اخلاق رسانه ها پرداختند، یکی از جلوه های چشمگیر آن ابتکار تشکیل محکمه بین المللی شرف برای خبرنگاران بود. این محکمه که مقر آن در لاهه قرار داشت ریاست آن را رئیس سابق دیوان عدالت بین المللی به عهده داشت. نهاد واقعاً غیر حکومتی بود که زیر نظر فدراسیون بین المللی خبرنگاران^۳ و بنیاد بین المللی خبرنگاران اداره می شد. وظیفه این محکمه نظارت بر سلامت انجام روال کار خبرنگاران بود. این جنبش در ۱۹۳۹ فدراسیون بین المللی خبرنگاران را به نشستی کشاند.

سه سال بعد اتحادیه بین المللی مؤسسات رسانه ای مجموعه ای از اصول را تحت عنوان «خبرنگاری که شایسته این نام باشد» به تصویب رسانید. بعد از جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۸ میلادی تلاش هایی برای تدوین قوانین اخلاق خبرنگاری در چهارچوب سازمان ملل متحد صورت گرفت و قانون اخلاق حرفه ای به واسطه این سازمان به تصویب رسید.

در سال ۱۹۷۱ شش اتحادیه روزنامه نگاران از کشورهای عضو جامعه اروپا در مونیخ اعلامیه ای را در مورد وظایف و حقوق روزنامه نگار به تصویب رساندند. در سال ۱۹۷۷ تحت نظارت جامعه عرب قواعدی در خصوص اخلاقیات حرفه ای برای خبرنگاران عرب تهیه و تدوین شد. باز هم در سال ۱۹۷۷ نشست از سوی یونسکو برای تدوین اصول اخلاق ارتباط جمعی در شهر اوتاوا برگزار شد که در بخشی از بیانیه آن آمده است: « اخلاق ارتباطی در دنیای مدرن باید بر پایه ارزشهای

^۲ - code of journalistic ethics

^۳ - F I J

چون صلح، آزادی و احترام متقابل بنا گردد که برای نوع بشر جنبه های مشترک داشته و درعین حال تنوع فرهنگی و سیاسی بسیار بارز در دنیای کنونی را مد نظر قرار می دهد.»

در سال ۱۹۸۸ یونسکو منشور بین المللی اخلاق خبر نگاری را به تصویب رسانید و بیانیه یونسکو از سوی سازمان حرفه ای ملی، منطقه ای و بین المللی خبرنگاران مورد تأیید قرار گرفت.» (۱۴)

۳- اصول بین المللی اخلاق حرفه ای در خبرنگاری

«از سال ۱۹۷۸، سازمان های بین المللی و منطقه ای خبرنگاران حرفه ای که در مجموع نمایندگی ۴۰۰۰۰۰ خبرنگار شاغل در این حرفه را به عهده داشتند، در سطح بین المللی و منطقه ای چند نشست مشاوره ای را به همت یونسکو برگزار نموده اند، و در این نشست های مشاوره ای (مکزیکوسیتی ۱۹۸۰) پشتیبانی خود را از «اعلامیه یونسکو ۱۹۷۸» پیرامون اصول اساسی از جمله مساعی و سایل ارتباط جمعی در تقویت صلح و تفاهم بین المللی، حقوق بشر، و رویارویی با نژاد پرستی سیاست تبعیض نژادی و جنگ افروزی اعلام نمود. علاوه بر این ها، «اعلامیه یونسکو» مجموعه ای از اصولی که در بر گیرنده قواعد مشترک اخلاق خبرنگاری در قوانین موجود ملی و منطقه ای است و نیز قوانین مرتبط در اسناد بین المللی را به منزله مبنای کار پذیرفت.

بر این پایه، اصول اخلاق حرفه ای در زمینه ای مشترک و به عنوان منبع الهامی برای قوانین اخلاقی در سطح ملی و منطقه ای تهیه و تدوین شده است. هدف از این مجموعه اصول، ارتقای اعضای هر یک از سازمان های حرفه ای و به کار بردن مناسب ترین روش ها و وسایل می باشد.

اصل اول

« حق مردم در دستیابی به اطلاعات درست »

مردم حق دارند تصویری واقعی از جهان بیرونی را از طریق دستیابی به اطلاعات صحیح و جامع در اختیار داشته و علاوه بر این بتوانند آرائی خود را با استفاده از رسانه های ارتباطی به طور آزادانه ابراز نمایند.

اصل دوم

« خبرنگار بایستی خود را وقف حقیقت نماید »

بارزترین وظیفه خبرنگار این است که با رعایت حق مردم برای دستیابی به اطلاعات معتبر و درست، شرافت حرفه ای خود را در خدمت واقعیت عینی قرار دهد. به نحوی که واقعیت ها وجدانا با محتوای اصلی خود انعکاس یافته و بدون ایجاد تحریف، نشاندهنده ارتباطات اساسی باشد.

اصل سوم

« مسئولیت اجتماعی خبرنگار »

اطلاعات در خبرنگاری به منزله فایده ای اجتماعی و نه به منزله کالا درک می شود. بدین معنا که خبرنگار در حجم مسئولیت اطلاعاتی که منتقل می کند، سهیم است و بنابراین نه تنها وی در برابر صاحبان رسانه ها ملزم به پاسخگویی می باشد، بلکه در جامعه نیز مسئول است.

اصل چهارم

« شرافت حرفه ای خبرنگار »

نقش اجتماعی خبرنگار اقتضا می کند که در این حرفه، حد بالای از شرافت شغلی را برای خود حفظ کند. از جمله، حق خبرنگار در خود داری از کار کردن برخلاف باور هایش و یا افشای منابع اطلاعاتی خود. شرافت حرفه ای روزنامه نگاری اجازه نمی دهد که هرشکلی از اشکال رشوه را پذیرفته و یا دفاع از منفعت خصوصی را بر رفاه عمومی ترجیح دهد.

اصل پنجم

« مشارکت و دخالت مردم »

طبیعت این حرفه اقتضا می کند که خبرنگار راه های دسترسی مردم به اطلاعات و مشارکت آنان در رسانه ها را ارتقا بخشد، از جمله این حقوق همانا حق تصحیح، اصلاح و پاسخگویی است.

اصل ششم

« احترام به اسرار محرمانه و حیثیت انسانی »

بخش مکمل استندرد های حرفه ای خبرنگار، همانا احترام به حق اشخاص در حفظ اسرار محرمانه و حرمت انسانی شان بر پایه مواد موجود در قانون بین المللی و قوانین ملی از جمله حمایت از حقوق و آبروی دیگران و منع افتراء، بهتان و لطمه به حیثیت و آوازه اشخاص است.

اصل هفتم

« احترام به منافع عمومی »

معیار حرفه ای خبرنگار، احترام کامل به حیثیت ملی جامعه، مؤسسات آزاد و اخلاق و عرف جامعه را ضروری می داند.

اصل هشتم

« احترام به ارزشهای عام و گوناگونی فرهنگ ها »

یک خبرنگار حقیقی مدافع ارزشهای عام انسانی و در درجه نخست، صلح و دیموکراسی، حقوق بشر، پیشرفت اجتماعی و آزادی ملی است. حال آن که احترام به الگوها، ارزش ها و شأن و مقام خاص هر یک از فرهنگ ها به اضافه حق انتخاب و توسعه آزادانه نظام های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای هرملتی امری در خور وظیفه شناسی حرفه ای است.

اصل نهم

« محو جنگ و دیگر مصایب بزرگی که سر راه نوع بشر قرار دارد »

تعهد اخلاقی نسبت به ارزشهای عام انسانی، خبرنگار را ملزم می سازد تا از توجیه و برانگیختن جنگ های تجاوزگرانه و مسابقه تسلیحاتی، به ویژه در زمینه سلاحهای هسته ای و تمامی اشکال خشونت، کینه و یا تبعیض و به طور خاص نژاد

پرستی و سیاست تبعیض نژادی، سرکوب اعمال شده توسط رژیم های ستمگر، استعمارگر و استعمار نو و نیز مصایب بزرگ دیگری که سبب رنجوری بشر می گردد، مانند فقر، سوء تغذیه و بیماری ها پرهیز نماید.

اصل دهم

« برپایی نظم اطلاعاتی و ارتباطی نوین جهانی »

در جهان معاصر، خبرنگار در چهار چوب حرکت به سوی روابط نوین بین المللی به طور عام و نظم اطلاعاتی نوین به طور خاص به فعالیت مشغول است. خبرنگار وظیفه ویژه دارد تا در برپایی جریان دیموکراتیزه کردن ارتباطات بین المللی در حوزه اطلاعات به ویژه به واسطه حفظ و تحکیم روابط صلح آمیز و دوستانه میان ملت ها و دولت ها نقش خود را ایفا نماید. « (۱۵)

۴- چهارچوب اسلامی اخلاق رسانه ای

وضعیت رسانه ها در کشورهای مسلمان متفاوت تر از وضعیت رسانه ها در سایر کشورهاست. لازم است که چهارچوب خاص برای آن طرح ریزی گردد تا با استناد به رهنمود های اخلاقی گرفته شده از قرآن و سنت دیدگاهی اسلامی در زمینه اخلاقیات رسانه های جمعی تدوین گردد. به سختی می توان پیشینه مدون در مورد تاریخ، نقش ها و کارکرد های رسانه ها در یک جامعه اسلامی یافت .

« در سال ۱۹۷۸ در اولین کنفرانس اسلامی آسیا که توسط مجمع جهان مسلمان در کراچی پاکستان برگزار گردید، تصمیم گرفته شد که کشورهای مسلمان باید به منظور مقابله با انحصار رسانه های جمعی توسط کشورهای که حالت خصمانه نسبت به اسلام دارند، با یکدیگر همکاری کنند. در سپتامبر ۱۹۸۱ در جا کارتا اندونیزیا کنفرانس با حضور ۲۵۰ روزنامه نگار مسلمان از ۵۰ کشور برگزار شد که در آن بر رعایت قواعد رفتاری اسلامی به عنوان مبنای کار و در چهارچوب ارزش های اسلامی و اصول اخلاق اسلامی تأکید شده است.

موضوعات مرتبط با اخلاق اسلامی در رسانه ها شامل این موارد می شود:

الف (دروغ گفتن و کتمان حقیقت

گاهی رسانه‌ها حقیقت را پنهان می‌کنند. تنها کافی نیست که روزنامه‌نگار دروغ نگوید، بلکه وظیفه دارد که حقیقت را بیان کند سکوت اختیار کردن در مورد مسأله که حق مردم است تا از آن مطلع شوند از نظر اسلام درست نیست. همچنین روزنامه‌نگار مسلمان حقیقتی را بیان می‌کند که به آرامش و امنیت جامعه اسلامی صدمه نزند و روزنامه‌نگار مسلمان باید از راستی حمایت کند.

قرآن تصریح می‌کند:

« حق را با باطل میامیزید و آنگاه که حقیقت را می‌دانید کتمان‌ش مکنید. » (سوره مبارکه بقره آیه ۴۲)

« هرگاه سخن گوید عادلانه گوید... » (سوره الانعام آیه ۱۵۲)

همچنان آیه ۲۳۸ سوره بقره، آیه ۱۳۵ سوره نساء، آیه ۱۴۸ سوره نساء، آیه ۸۳ سوره نساء و آیه ۴۴ سوره بقره نیز به موضوع بیان حقیقت و بلند کردن صدا در مقابل ستم تأکید دارند. یک روزنامه‌نگار مسلمان باید با در نظر گرفتن این مسایل در کار خود اصول اخلاق اسلامی را رعایت نماید.

ب) مفهوم آزادی بیان

محدودیت‌های قانونی در مورد آزادی بیان در مصوبات نهاد‌های قانون‌گذاری چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غیراسلامی رایج است و همانطور که در قسمت‌های قبلی نیز بیان شد، باید دانست که اسلام بر آزادی بیان تأکید خاص دارد و محدودیت‌های نیز برای آن قایل است.

پ) مفاهیم مسئولیت‌پذیری و حق دانستن

اصل راهنما در قواعد اخلاق اسلامی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است و اصل اسلامی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد. همانطور که غربی‌ها نظریه مسئولیت‌پذیری اجتماعی رسانه‌ها را بیان کرده‌اند، قرآن نیز این موضوع را بیان می‌کند. اسلام امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه هر مسلمان می‌داند، که روزنامه‌نگاران هم عضوی از جامعه اسلامی بوده و مکلف‌اند، به آن توجه کنند. در بخش‌هایی از قرآن بر امر به معروف و نهی از منکر که مسئولیت مسلمانان در برابر اجتماع است، تأکید خاص شده است. به طور مثال:

« و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکو کاری امر و از بد کاری نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال فیروز بختی و رستگاری خواهند بود.» (سوره آل عمران آیه ۱۰۴) همچنان آیات ۱۱۰ و ۱۱۴ سوره آل عمران نیز به امر به معروف و نهی از منکر و داشتن مسئولیت در برابر اجتماع اشاره دارند.

د) ناسزاگویی

قرآن تمسخرکردن سایر مردم را منع می نماید:

« ای کسانی که ایمان آورده اید، مبدا که گروهی از مردان، گروه دیگر را مسخره کند. شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند. مبدا که گروهی از زنان گروه دیگر را مسخره و از هم عیب جویی کند و یکدیگر را به القاب زشت بخواند.» (سوره الحجرات آیه ۱۱)

به طور واضح و آشکار قرآن تمام مردم را از تمسخر نمودن افراد منع می کند و اگر کسانی دچار این اشتباه اند که به نام آزادی بیان هر کاری می توانند انجام دهند، مفهوم آزادی بیان را خوب درک نکرده اند.

ه) حرمت گذاشتن به امور شخصی افراد

حق حفظ حرمت افراد در امور شخصی، یک حق مقدس انسانی است که هیچ کس (از جمله خبرنگاران) نمی تواند متعرض آن شوند. قرآن خطاب به ما می فرماید: « ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه ای غیر از خانه خود بی آن که اجازت طلبید و بر ساکنانش سلام کرده باشید، داخل مشوید...». اسلام اجازه نمی دهد که انسان در جست و جوی خیر و نیکی، حتی اگر گمان، سوء ظن را تأیید نماید، افتراء زند، سخن پراکنی کند و ناسزا گوید. اصل بیگناهی افراد نباید مورد تعرض قرار گیرد و نباید به حریم خصوصی افراد تجاوز صورت گیرد. در اسلام سنت و سابقه ای قوی در زمینه ارزیابی منابع خبری، استفاده از روش درست تحقیق برای اثبات مسایل، اثبات گواهی و شهادت در موارد ممکن، گزارشگری در زمینه های مناسب و برخورد منصفانه با موضوعات وجود دارد. آیه ۱۲ سوره مبارکه الحجرات دلیل بر این مدعا است.

و) تفریح و سرگرمی هرزگی و حسنی نگری

رسانه های جمعی باید هنگام پرداختن به موضوعات تفریحی و سایر کارکرد ها، معیارهای جامعه اسلامی و الزام های اخلاقی را در این زمینه مد نظر داشته باشند. مفهوم تقوا نیز، مبنای دیگر بر قواعد اخلاقی اسلامی در زمینه روزنامه نگاری است. براساس اخلاق اسلامی رسانه ها باید مسئولیت نگهبانی جامعه را به عهده گیرند و باهوشیاری تمام به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند. « (۱۶)

نتیجه این که قواعد بیان شده می توانند بخشی از چارچوب اسلامی اخلاق رسانه ها را شکل دهد و در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی باید اصول و قواعد اخلاق اسلامی رسانه هاتدوین گردد، تا راهنما و راهگشای برای روزنامه نگاران مسلمان باشد. در افغانستان نیز مانند سایر کشورها نیاز به تدوین اخلاق حرفه ای خبرنگاری احساس می شود، زیرا در چند سال اخیر تعداد کثیری از رسانه ها شروع به فعالیت نموده اند و شاید اغلب دست اندکاران این رسانه ها افراد غیر مسلکی اند. حتی برای افراد که در حرفه خبرنگاری مسلکی نیز هستند، تدوین اصول اخلاق حرفه ای می تواند مفید باشد. تدوین یک چهارچوب برای اخلاق حرفه ای خبرنگاری در زمینه برخورد خبرنگاران با مسایل می تواند مؤثر واقع گردد. در حقیقت این چهارچوب به آنان نشان می دهد که برخورد با چه مسایلی ممکن است نادرست باشد.

بخش دوم - کاپی رایت

قانون کاپی رایت به منظور حفظ حقوق مؤلفین در اغلب کشورهای جهان به تصویب رسیده است. در قانون اساسی افغانستان در ماده ۴۷ در مورد حقوق مؤلفین آمده است: « دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرام های مؤثر وضع می کند. دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و نتایج مؤثر از آن را مطابق به احکام قانون تعمیم می بخشد. »

همانگونه که در قوانین اساسی افغانستان آمده است: یکی از شرایط مهم در احترام به حقوق مؤلف، دادن حق مالکیت به اثر فرد است و دولت بنابراین ماده مؤلف گردیده است که برنامه های مؤثر در این زمینه وضع نماید.

در قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده سوم در بند ۱۴ آمده است: « کاپی رایت: داشتن حق مالکیت معنوی و امتیاز انتشارات ثبت شده است که در مطابقت به معیار های قبول شده توسط مقرره جداگانه تنظیم می گردد. »

ملاحظه می شود که حقوق مؤلفین در این قانون نیز مورد توجه قرار گرفته و بیان شده است که هر فردی حق داشتن امتیاز نشر و مالکیت معنوی اثر خود را دارد.

با این ماده ها که از قوانین داخلی افغانستان مطرح شد باید دید که در منابع خارجی چه تعریفی از حقوق مؤلف آمده است. «حق مؤلف را به ساده گی می توان چنین تعریف کرد: حق مؤلف حقی است که دارنده آن بتواند این حق را در راه های مختلف در اختیار خود داشته باشد

اگر کاپی رایت از این هم ساده تر تعریف شود: در کاپی رایت تاکید بیشتر روی این حق نیست، بلکه بالای حقی است که چطور مانع آنانی شویم که از آثار خلاقانه و اصیل صاحبان آثار به شکل غیرمناسب بهره می گیرند. صاحب حق مؤلف، حق منحصر به خود را دارا می باشد. البته نه تنها در راستای کاپی کردن، بلکه حق فروختن نسخه ها نمایش و اجرای اثر را به مردم دارد. صاحب حق مؤلف می تواند در اثر اصلی اش تغییر بیاورد، آن را به نشر بسپارد، شامل برنامه های کیبلی سازد و یا هم اجازه انتقال آثارش را به انترنت دهد.

موضوع حق مؤلف در مورد آثار زمانی به میان می آید که برای نخستین بار اثر مذکور خلق می شود، طور مثال: یک ناول نویس مسوده ناول را می نویسد یا یک موسیقی دان آهنگ های مختلف را می سازد و یا ثبت می کند. پس موضوع حق مؤلف برای نوشتن ناول، نمایش، فلم، یک مطلب روزنامه و یا حتی در رابطه به یک نامه نیز وجود دارد. موضوع کاپی رایت در موسیقی ضبط و ثبت صدا، نشرات رادیو - تلویزیون، برنامه های کیبلی و نرم افزار های کمپیوتری نیز موجود است. حق مؤلف به مجردی که اثر خلق شود، به وجود می آید. در بسیاری کشورها نیازی به ثبت کردن آثار نیست.

۱- دلایل موجودیت کاپی رایت

«دو دلیل قوی و پیشرفته در راستای موجودیت حق مؤلف وجود دارد: یک اخلاق و دوم اقتصاد می باشد.

استدلال اخلاقی نسبت به حق مؤلف این است که اثر مورد نظر بروز دهنده افکار شخصی ابداع کننده آن است. پس صاحب اثر مورد نظر صاحب این حق است، تا اثرش احترام شود؛ همچنان او این حق را دارد که اثرش چه زمانی و چطور برای مردم تولید و یا به معرض اجرا در آید. زمانی که اثری در موقع استفاده تغییر و یا بخش آن قطع گردد، صاحب آن اثر حق انتقاد را نسبت به این امر دارد.

استدلال اقتصادی کاپی رایت حاوی سه پهلو است: وفاداری ها نسبت به حق مولف و حق الزحمه کارگر خلاق آن است، وفاداری منحصیث پاداش عمل برای تولید آثار اصیل به شمار می رود و این وفاداری باعث تکثیر شاهکاری ها و کار های خلاقانه در سطح گسترده ای می شود. به گونه مثال: بدون صیانت کاپی رایت، نشرکتب محال خواهد بود. هنگامی که حق مولف در یک اثر ثابت شد، پس صاحب این حق از اثرش مانند سایر دارای هایش استفاده کرده می تواند. ملکیت حق مولف طبیعتاً قابل تقسیم است. به گونه مثال یک مولف می تواند حق تالیف اش را به یکی از ناشران کتب به فروش برساند. به همین منوال حق مولف بالای یک شرکت فلم سازی، استیشن های رادیویی، تولید کنندگان نمایشنامه ها و یا شرکت های تلویزیونی به فروش رسیده می تواند. صاحب حق مولف، قادر است تا ملکیت خویش را به طرق مختلف تقسیم نماید. این حقوق به اساس زمان، موقعیت جغرافیایی، زبان و به اساس اجازه ترجمه اثر به زبان های مختلف، محدود می گردد. در بسیاری حالت ها خلق کننده اثر، صاحب حق مولف است. در مورد آثار ادبی معمولاً نویسنده آن، مالک است. در امور ضبط و ثبت صدا و فلم معمولاً مولف کسی است که ترتیب لازم را جهت ایجاد کار ها به عهده می گیرد که معمولاً آنان را ما تولید کنندگان یا «پرودیوسر» می نامیم.

۲- استثناء های کاپی رایت

« اما استثناء های مهم در این مقررات عمومی وجود دارد. هر جایی که یک مامور در چوکات زمان کاری اش آثار ادبی بیافریند یا کارهای نمایشنامه یی ویا موسیقی را اجرا نماید، پس صاحب حق مؤلف شخص استخدام کننده می شود نه خود مامور موصوف. زمانی که یک شخص مامور است، پس به ساده گی از یک شخص قرارداد کننده آزاد متمایز میگردد. برای ناشران تمیز کردن افراد خیلی کاری آسان است. به گونه مثال: فلم نامه نویس، پرودیوسر، کارگردان، طراح و هنرمندانی که به حیث کارمندان یک موسسه کار می کنند، پس محصول کار آنان شامل حق مولف همان موسسه می شود و حق مولف به این افراد هیچ ارتباط نمی گیرد. از سوی دیگر یک کارمند آزاد که مصروف اجرای کار در یک موسسه است، حق مولف اثر مربوط شخص خودش می شود، مگر این که قراردادش موسسه مذکور را ذیحق در حق مولف شناخته باشد.» (۱۷)

به طور خلاصه در مورد اخلاق رسانه ای باید گفت که باتوجه به خصوصیات هر جامعه ای باید اخلاق حرفه ای خبرنگاری در آن جامعه تدوین شود. همانند تدوین قانون رسانه های همگانی، نیاز به تدوین اخلاق حرفه ای خبرنگاری در افغانستان

هم احساس می شود. زیرا خبرنگاران باید با این اصول آشنا باشند و اخلاق حرفه ای را باید رعایت نمایند. با توجه به اصول بین المللی اخلاق حرفه ای، خبرنگاران این مسایل را در نظر داشته باشند: حق مردم در دستیابی به اطلاعات درست، انعکاس درست واقعیت ها، مسئول بودن خبرنگار در مقابل اجتماع، داشتن شرافت شغلی، مشارکت مردم، احترام به حفظ اسرار محرمانه احترام به منافع عمومی، احترام به ارزش های فرهنگی، تلاش برای محو مصائب که سر راه بشر قرار دارد، برپایی نظم اطلاعاتی و ارتباطی نوین. نظر به اصول بین المللی، خبرنگاران باید در زمینه این مسایل تلاش نمایند.

در زمینه کاپی رایت نیز باید گفت که یکی از راه های که می شود با کمک آن از نویسندگان، فلم نامه نویسان، سینماگران، شرکت های تولید نرم افزار های کمپیوتری، طراحان، هنرمندان، موسیقی دان و سایر اقشار فرهنگی جامعه حمایت نمود، این است که کاپی رایت رعایت شود. زیرا در صورت احترام گذاشتن به کاپی رایت، از این اقشار جامعه هم حمایت معنوی و اخلاقی می شود و هم حمایت اقتصادی و مالی. یک فردی اثری را خلق می کند و روی این اثر مدت ها زحمت می کشد، لازم است حق این را نیز داشته باشد تا به هر نحوی که دلش خواست از این اثر خود استفاده کند و بدون اجازه وی هیچ فردی حق استفاده از آنرا نداشته باشد تا ثمر کار وی به خودش برسد. مگر در شرایط استثنائی که صاحب اثر از طرف یک نهادی استخدام شده باشد و کارمند آنجا باشد و یا در قرار داد کاری خود توافق کرده باشد که صاحب امتیاز اثر وی نهاد استخدام کننده است.

مأخذ و منابع

- در این نوشته از قرآن کریم، قوانین بین المللی، قوانین منطقه ای، قوانین داخلی کشورها و قوانین داخلی افغانستان از جمله قانون اساسی، قانون جزا، قانون رسانه ها و قانون اجراءات جزائی که در حال حاضر مدار اعتبار میباشد، استفاده گردیده است.
- ۱- داکتر کاظم معتمد نژاد، حقوق مطبوعات، جلد یکم، چاپ سوم، (تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، سال ۱۳۷۹) صفحه ۲۸
- ۲- همان منبع، صفحات ۲۹ - ۲۸
- ۳- دکتر رویا معتمد نژاد، مقاله آزادی بیان و جامعه اطلاعاتی، سایت انترنتی ایران و جامعه اطلاعاتی صفحات ۵ - ۶
- آبتین امیری، آزادی اندیشه و بیان از دیدگاه قرآن، (تهران: آبتین امیری، انتشارات آبتین امیری، ۱۳۸۰) صفحات ۳۴ - ۱۵
- ۴- همان منبع، صفحات ۷۳ - ۴۵
- ۵- مهرداد مولایی، «آزادی بیان و محدودیت های آن، رسانه»، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، (سال دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸) صفحات ۳۱ - ۳۰
- ۶- حسن نمکدوست تهرانی، «حق دسترسی به اطلاعات»، رسانه (سال چهاردهم، شماره ۱ بهار ۱۳۸۲) صفحه ۵۹
- ۷- همان منبع، صفحه ۵۱
- ۸- همان منبع، صفحات ۵۸ - ۵۳
- ۹- همان منبع، صفحه ۶۰
- ۱۰- همان منبع، صفحه ۶۲
- ۱۱- دکتر معتمد نژاد، همان کتاب، صفحه ۱۷۷
- ۱۲- دکتر مغیث الدین شیخ، چهار چوب اسلامی اخلاق رسانه ها، رسانه (سال هفتم شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵) صفحه ۲۰
- ۱۳- همان منبع، صفحه ۲۱
- ۱۴- کارل نورد نسترنک، ترجمه مجتبی صفوی، اخلاق حرفوی رسانه (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۴) صفحات ۷۷ - ۷۶
- ۱۵- دکتر مغیث الدین شیخ، همان مقاله، صفحه ۲۷ - ۲۲
- ۱۶- کاپی رایت، مقاله اتحادیه نشرات آسیا پسیفیک، ترجمه، عبدالقهار جواد (سال ۲۰۰۲)

ضمایم

ضمایم که در این بخش تهیه شده می‌تواند ژورنالیستان را با اخلاق حرفه ای ژورنالیزم، سازمان های دست اندرکار مسایل ژورنالیزم و آدرس، تلفون، فکس و آدرس الکترونیکی آنان آشنا سازد. تمام این ضمایم از سایت انترنتی گزارشگران بدون سرحد اخذ و ترجمه گردیده است.

۱- متون مرجع (رفرنس) در اخلاق حرفه ای

در این جا خلاصه ای از اصول اخلاقی که توسط سازمان های مسلکی ژورنالیستان تهیه گردیده است، ارائه می شود. این سازمان ها اصول اساسی حرفه خبرنگاری را که باید در طی کار به آنها عمل شود، به خصوص در جریان تحقیق در موارد تجاوز به آزادی رسانه ها، نوشته اند. اعلامیه حقوق و تعهدات ژورنالیستان که در متن شماره ۱ آمده است، به عنوان یک سند معتبر قبول شده است. متن شماره ۲ خلاصه ای از ضوابط و عرف رایج در روزنامه های منطقه ای فرانسه است و نشان می دهد که چگونه این اصول اساسی می توانند در عمل مورد استفاده قرار گیرند. سه متن خلاصه از منشور امریکا، انگلیس و جاپان نمونه هایی را در تکمیل دو متن قبلی آورده اند.

متن ۱

اعلامیه حقوق و تعهدات ژورنالیستان (منشور مونیخ)

این اعلامیه به تاریخ ۲۴ و ۲۵ نوامبر ۱۹۷۱ در مونیخ طراحی و تصویب گردیده است. سپس به وسیله فدراسیون جهانی خبرنگاران و اغلب اتحادیه های اروپایی ژورنالیستان مورد تأیید قرار گرفته است.

توضیحات مقدماتی

حق دسترسی به اطلاعات، آزادی بیان و انتقاد یکی از حقوق اساسی افراد به شمار می رود. تمام حقوق و وظایف خبرنگاران در این قانون خلاصه می شود که عامه مردم باید از حوادث و عقاید آگاه باشند. ژورنالیستان در مقابل جلب رضایت مردم و خاصاً در مقابل رؤسا مسئولیت دارند. در انتقال اطلاعات ضروری ژورنالیستان محدودیت های را بر خود تحمیل می کنند. موضوع این اعلامیه وظایفی است که در ذیل طراحی شده است. اگر شرایط برای استقلال حرفه ای به طور مؤثر وجود داشته باشد یک ژورنالیست می تواند به این وظایف در عملکرد مسلکی خود احترام کند.

الف. اعلامیه وظایف

تعهدات اساسی که ژورنالیستان در جمع آوری، نگارش و تفسیر اخبار به آنها ملزم می گردند.

۱. باید به حقیقت احترام داشت، با هر پیامدی که برای شخص وی داشته باشد، به خاطر حقی که مردم برای دانستن حقایق دارند.

۲. از آزادی اطلاعات، تفسیر و انتقاد باید دفاع نمود.

۳. هنگام گزارش نمودن حقایقی که خبرنگار اصل قضیه را می داند، نباید اطلاعات اساسی را پنهان نماید و نباید موضوع و متن را تغییر دهد.

۴. از روش های نادرست نباید برای بدست آوردن اخبار، تصاویر و متون استفاده کرد.

۵. خود را باید به احترام حریم خصوصی افراد مقید دانست.

۶. هر نوع اطلاعات منتشر شده را که مشخص شود نادرست است، باید تصحیح نمود.

۷. ژورنالیست وظیفه حفظ محرمانگی را دارد، نباید هویت منابعی که از آنان اطلاعات مؤثق به شرط محرمانگی بدست می آید، افشاء نماید.

۸. جرایم مهم تخصصی قرار ذیل اند: سرقت ادبی، خبر تهمت آمیز، افتراء، توهین و اتهامات بی اساس، قبول کردن رشوت به هر شکلی یا به منظور نشر و یا عدم نشر یک مطلب

۹. حرفه خبرنگاران مسلکی هرگز نباید با حرفه اعلان کننده تبلیغاتی و یا سیاسی بیامیزد و خبرنگاران نباید به فرمایش های مستقیم و غیر مستقیم اعلان دهندگان عمل کنند.

۱۰. در مقابل هر فشار باید مقاومت نمود و باید دستورات سر دبیر را به عنوان تنها فرد با صلاحیت هیأت تحریریه پذیرفت.

۱۱. با رعایت این اصول هر ژورنالیستی شایسته این می گردد که نام او به عنوان یک فرد وظیفه شناس و صادق شناخته شود. در داخل قانون اساسی هر کشور، مشخصات ژورنالیست، در مسایل تخصصی و قانونی او درج است که دولت و دیگران را از هر نوع مداخله محروم می سازد.

ب. اعلامیه حقوق

۱. ژورنالیستان حق دسترسی آزاد به تمام منابع اطلاعاتی و تحقیق در مورد تمام مواردی که مربوط به حیات اجتماعی می شوند را طلب می نمایند. در نتیجه محرمیت امور عمومی و یا خصوصی فقط در شرایط استثنائی و با ارائه توجیهات کافی می توانند این حق خبرنگاران را ضایع کنند.
۲. ژورنالیست حق دارد، تابعیت از چیزهایی را که برخلاف اصول اساسی رسانه ای که در آن کار می کند باشد، رد نماید. به طور مثال اصول اساسی که به صورت کتبی در قرارداد استخدام وی درج شده اند و همچنان اطاعت از هر نوع امری که به صورت واضح در این اصول اساسی بیان نشده باشد.
۳. یک ژورنالیست نباید به انجام دادن یک کار تخصصی و یا بیان یک نظریه برخلاف وجدان خویش وادار ساخته شود.
۴. هیأت تحریریه باید اجباراً از تمام تصمیمات مهم و تأثیرگذار بالای تشکیلات رسانه مطلع شود. در نهایت باید قبل از گرفتن یک تصمیم مهم در تمام مواردی که مربوط به ساختار هیأت تحریریه می شود، به طور مثال درباره استخدام ژورنالیستان جدید و آنهایی که برکنار می شوند و هرگونه دگرگونی و ارتقا با هیأت مشورت شود.
۵. با توجه به مسئولیت و نقشی که در جامعه به وی واگذار می شود، یک ژورنالیست مستحق داشتن قرار داد کاری است که امنیت مادی و فکری او را فراهم سازد. همچنین مستحق دریافت معاش کافی است تا استقلال اقتصادی وی را تضمین نماید.

متن ۲

خلاصه ای از ضوابط و عرف رایج در روزنامه های منطقه ای در فرانسه

انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی است. بنابراین هر فردی می تواند آزادانه سخن بگوید بنویسد و چاپ کند، به استثناء مواردی که در سوء استفاده از این آزادی در قانون مشخص شده اند و قابل تعقیب می باشند. (ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۶ اگست ۱۷۸۹)

هر کسی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی برای بیان و دریافت عقاید و بهره مندی از اطلاعات و افکار، بدون مداخله دولت ها و بدون ملاحظات سرحدی است. (ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حراست از حقوق بشر و آزادی های اساسی)

قوانین حرفوی و عملکرد ها

یک روزنامه در تماس نزدیک با خوانندگان است و آگاه نمودن خوانندگان یکی از مسئولیت های روزنامه است. لازم است که در گزارش دادن مطالب به شکل روشن، روزنامه انعکاس حقایق را از تفسیر در مورد آنها جدا نماید.

۱- **جدیت و توجه به جزئیات:** اعتبار یک روزنامه به توانایی آن به چاپ موثق و درست اخبار بر می گردد. چاپ اطلاعات بعد از بررسی در مورد آن، نشانی از بی طرفی، باریک بینی و صداقت خوب یک روزنامه است. شایعات را نباید منتشر کرد. یک روزنامه باید مانع نشر شایعات گردد، حتی اگر دیگر رسانه ها آنرا منتشر نموده باشند.

۴- **احترام به اشخاص:** یک روزنامه باید بدون تحریک نمودن به تبعیض، نژاد پرستی و خشونت، اطلاع رسانی نماید و باید ملزم به قوانین باشد که تبعیض، نفرت، خشونت فرد علیه فرد بر اساس نژاد، ملیت، قوم و منطقه خاص را محکوم می کند.

تبعیض به این معنی است که در ذهن خواننده احساس خصومت، سوءظن و بی احترامی نسبت به اشخاص، با توجه به مذهب و یا نژاد آنها بوجود بیاید. تنفر احساس خصومت به برخی از افراد، یا قصد صدمه زدن به آنها به دلیل وابستگی یا عدم وابستگی به یک گروه خاص قومی و نژادی می باشد. خشونت شامل هردو بعد خشونت فیزیکی و خشونت روحی می شود. جدا از تحریک های آشکار، یک روزنامه باید از تمام موضوعاتی که حتماً و یا فرضاً تحریک کننده چنین احساساتی باشند، پرهیز نماید.

۷- اجتناب از افتراء

یک روزنامه باید به رعایت حفظ آبروی یک فرد متعهد باشد. این در بر گیرنده چهار اصل است:

- **صحت قضیه:** یک روزنامه همواره متضمن تهیه مطالب با توجه به نفع عموم می باشد، زیرا دسترسی به اطلاعات جزء حقوق عامه است. قبل از این که حوادث به اطلاع مردم برسد باید به صحت آن قضیه توجه شود.

- نداشتن خصومت شخصی: بعضی از افراد ممکن است با یکدیگر سابقه خصومت شخصی داشته باشند، یک روزنامه باید از چاپ مطالب که عمداً به شکل جدال برانگیز نوشته شده اند، اجتناب نماید.

- میانه روی در زبان: یک روزنامه ملزم به این است که لحن و سبک نگارش مطالب آن برای مردم توهین آمیز و آزار دهنده نباشد.

- قابلیت اعتبار در تحقیق: تمام جوانب قضایا با صداقت در تحقیق بیان شود.

۸- تمام نقطه نظرات بیان شود: به این منظور لازم است با طرفین یک مطلب تماس حاصل شود، تا نقطه نظر هر کدام را بدست آورده و به شکل عادلانه اطلاعات منعکس شوند. اگر یکی از اشخاص مربوطه از دادن اطلاعات اجتناب می کرد روزنامه خوانندگان خود را از این نکته آگاه می سازد.

۱۱- احترام به اصل بیگناهی: در ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۶ اگست ۱۷۸۹ آمده است که یک شخص تا زمان ثبوت جرم توسط قانون و محکمه، بی گناه محسوب می گردد. احترام به اصل بیگناهی به این معنی است که هرگاه مردم خواستار معلومات از جریان محکمه شخص باشند، باید به نحوه ارائه جزئیات به مردم دقت خاص صورت گیرد. تا از ایجاد پیشداوری جلوگیری شود.

۱۲- تضمین صحت اطلاعات، مصلحت اندیشی و صداقت در ارائه اخبار: باید اصول صحت، مصلحت اندیشی صداقت و توجه به بیان جزئیات در موضوعات، به خصوص در مواردی که مربوط به مسائل روز می شود، رعایت شود

متن ۳

خلاصه ای از ضوابط اخلاق حرفه ای انجمن ناشران مستقل شمال امریکا:

استقلال: حمایت از تفاسیری که به صورت آگاهانه از حقیقت منحرف می شوند، یک توهین به روحیه ژورنالیزم امریکایی است و انحراف از حقیقت در ارائه موضوعات یک تهاجم ویرانگر به اصول اساسی خبر است.

صداقت: یک روزنامه نباید بدون دادن فرصت دفاع به افراد، به شرافت و آبروی آنها تجاوز نماید، این فرصت باید هر دفعه که به فرد خارج از محاکم اتهام وارد می شود، به وی داده شود. یک روزنامه حق وارد شدن به حریم خصوصی و مداخله در عواطف شخصی افراد را ندارد. فقط زمانی می تواند این کار را نماید که این موضوع جزء منافع عامه بوده و تنها برای بر طرف نمودن حس کنجکاوی افراد نمی باشد.

شایستگی: هنگامی که یک روزنامه همواره اخبار داغ و مهم را به خوانندگان ارائه می کند که بیشتر تحریک کننده جنایت و گمراهی اند و منفعتی برای صلاح عامه ندارند، شایستگی خود را تباه می نماید.

متن ۴

فشرده ای از موازین اخلاقی و اساسنامه مسلکی اتحادیه ژورنالیستان انگلستان

ماده ۵ موازین اخلاقی: یک ژورنالیست به هر عنوان که باشد، بدون اجازه حق استفاده و سرقت ادبی از کار ژورنالیست دیگر را ندارد.

ماده ۱۲ موازین اخلاقی: یک ژورنالیست باید متوجه نحوه رفتار با دیگر ژورنالیستان باشد و احترام را رعایت نماید.

ماده ۵ اساسنامه مسلکی: یک ژورنالیست اطلاعات، عکس ها و تصاویر را تنها به صورت مستقیم می تواند بدست آورد. نحوه دسترسی دیگر به منابع تنها وقتی می تواند توجیه گردد که برتری دادن منافع عامه در میان باشد. ژورنالیست حق دارد براساس وظیفه شناسی که دارد، به مواردی که مخالف منافع عامه است، اعتراض نماید.

ماده ۶ اساسنامه مسلکی: حتی در مواردی که برتری منافع عامه استفاده از شیوه های دیگر را توجیه کند، یک ژورنالیست نباید به شکلی عمل کند که باعث رنج و آزار اشخاص بشود.

متن ۵

خلاصه ای از اساسنامه ژورنالیستان نیهون شیمبون کیوکای (جاپان)

ماده اول: مهمترین اصل در انعکاس خبر، گزارش درست و صادقانه است.

ماده دوم: ژورنالیستان نباید در گزارش حقایق، عقاید شخصی خود را دخالت دهند.

ماده سوم: در هنگام تهیه موضوعات خبری، ژورنالیستان باید متوجه احتمال سوء استفاده از موضوعات، برای تبلیغات سیاسی باشند و در این مورد با احتیاط عمل کنند.

ماده چهارم: در انتقاد گرایي ژورنالیستان باید خود را به نقل مطالب و لحنی محدود کنند که حتی در حضور اشخاص مورد انتقاد بتوان آنها را بیان کرد.

ماده پنجم: تفاسیری که آگاهانه حقایق را تحریف نماید و با غرض باشد، به مقام حرفه ای و شرافت ژورنالیست صدمه وارد می نماید.

۲- مبارزه علیه کسانی که از مجازات رها می شوند

طی دهه های گذشته در جهان بیشتر از ۵۰۰ خبرنگار و دست اندر کار رسانه ها به خاطر فاش نمودن فساد، اختلاس و سوء استفاده مالی، یا برای انتقاد از رفتار چهره های سیاسی و تجارتي، ترور، ناپدید و یا به قتل رسیده اند. تنها گناه این ژورنالیستان، انجام وظیفه و انتقال معلومات به عامه مردم بوده است. بعضی اوقات، این جنایات حتی به صورت کامل مورد تحقیق قرار نگرفته و تعداد زیادی از مجرمان بدون مجازات باقی مانده اند. بعضی اوقات همه می دانند که چه کسی دستور به ارتکاب جرم داده است، اما با این حال، چنین افرادی به محاکم کشانده نشده اند. برای مبارزه با این شکست فاحش اجتماعی، گزارشگران بدون سرحد یک شبکه را به نام داموک لس تأسیس نموده اند که در سطوح مختلف، برای خاتمه بخشیدن به رهایی از مجازات کسانی که ژورنالیستان را شکنجه و یا به قتل می رسانند، کار می کند.

الف- گزارشگران بدون سرحد

بیشتر از ۱۴۰ ژورنالیست هنوز در جهان زندانی هستند. در بیشتر از نصف کشورهای جهان تحریم نمودن، توهین نمودن و سانسور نشریات هرروزه اتفاق می افتد. حتی امروز نزدیک به دو میلیارد زن و مرد زیر نظر دولت هایی زندگی می کنند که در آن حق دسترسی به اطلاعات محدود است. گزارشگران بدون سرحد که در بیش از ۲۰ کشور اعضا و یا حضور دارند، یک سازمان مستقل است که از آزادی، اطلاع رسانی و دسترسی به اطلاعات دفاع می کند:

۱- هر روز گزارشگران بدون سرحد برای کمک به ژورنالیستان زندانی کار می کنند، مبارزه رسانه ها را سازمان دهی نموده و مکتوب های شکایت به مسئولین حکومت های مربوطه ارسال می کنند. این سازمان در گزارش خود می گوید که تقریباً ۴۰ ژورنالیست زندانی، توسط نشریات و استیشن های تلویزیونی حمایت شده اند. گزارشگران بدون سرحد همچنین برای ژورنالیستان کمک تهیه می کنند. (تعیین وکیل مدافع، پرداخت جریمه و وثیقه و کمک به خانواده های بی بضاعت).

۲- گزارشگران بدون سرحد رسانه ها را از تجاوز به آزادی رسانه ها با خبر می سازند. تجاوز به آزادی رسانه ها را در ماهنامه خبری مؤسسه و در گزارش سالانه و دیگر گزارش های مخصوص به مناطق و کشورهای خاص از دنیا منتشر می کنند.

۳- گزارشگران بدون سرحد به قربانیان فشار حکومت، کمک می کنند. کمک و همکاری با رسانه های مستقل و آزاد که با فشار و محدودیت از طرف حکومت، شرایط جنگ و یا تهاجم گروههای مسلح روبرو هستند.

۴- گزارشگران بدون سرحد همراه اغلب سازمان های بین المللی کار می کنند و دارای نقش مشورتی با اتحادیه اروپا، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و یونسکو اند. همچنین این سازمان دارای نقش نظارت کننده با کمیسیون حقوق بشر افریقا می باشد.

۵- گزارشگران بدون سرحد به عنوان یک سازمان عام المنفعه از طرف دولت ها شناخته می شود.

شاخه های گزارشگران بدون سرحد

گزارشگران بدون سرحد یک سازمان بین المللی اند که مربوط به نه کشور (آسترالیا، بلجیم، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، سویدن، سویس و انگلستان) بوده و دفاتر منطقه ای آن در ابید جان، بانکوک، مونترال، توکیو و واشنگتن است.

شماره عاجل مخصوص رسانه ها ۱۴ ۷۴ ۷۷ ۴۷ ۱ ۰۳۳

هیچ ژورنالیستی ، چه در داخل کشور خود و چه در خارج ، از حکومتی که تصمیم به محدود کردن و ضربه زدن به رسانه های آزاد داشته باشد، در امان نیست. به همین دلیل گزارشگران بدون سرحد شماره عاجل مخصوص رسانه ها را تهیه کرده اند که این خط مخصوص به مردم اجازه می دهد که به لسان انگلیسی یا فرانسوی تماس بگیرند و از توقیف، تبعید و یا مفقود شدن یک ژورنالیست، به گزارشگران بدون سرحد خبر بدهند. این نمره تلفون در تمام ساعات برای ژورنالیستان، خانواده آنها، رئیس و یا سازمان صنفی آنان فعال می باشد و اگر بخواهند مصرف مکالمه را هم می توانند دریافت نمایند.

لطفا هنگام تلفون کردن، کوشش کنید هر قدر که می توانید معلومات جمع آوری نمایید: مثل نام ژورنالیست، ملیت، رسانه مربوطه، کشور و شهر مربوطه، شرایط حادثه و هر جزئیات که می تواند مفید باشد. این گزارشگران بدون سرحد را قادر می سازد تا در مورد یک قضیه کار خود را به صورت فوری و مؤثر شروع نمایند.

ب. شبکه داموک لس

- در مورد جرایم و سوء استفاده ها به تحقیق در محل می پردازد تا واقعیات را فاش سازند. سهل انگاری پولیس و عدم مؤثریت دستگاه های قضایی را نیز فاش می سازند.
- به قربانیان برای گرفتاری مجرمین و محکمه آنها در داخل کشور کمک می کند و یا (اگر حکومت نمی خواهد که حقایق به نشر برسد) در محکمه بین المللی.
- جمع آوری معلومات در مورد سازمان دهندگان و مرتکبین جنایات و فعالیت های آنان، تا مراحل قضائی لازم، وقتی شرایط اجازه می دهد، بر ضد آنها تطبیق شود.
- اقدامات و کمپاین های لازم برای بهبود فهم و سواد عمومی در مورد لزوم مبارزه علیه معافیت از جزا و رفتار استبدادی .
- مبارزه جهانی علیه فساد و رشوه تا باشد که از دارایی مجرمان، به قربانیان جبران خسارت داده شود.

داموک لس برای کمک به قربانیان و وکلاء شان، یک سایت انترنتی را تهیه نموده است که شکل درج شکایات را با توجه به شرایط خاص قربانیان، مرتکبین جنایات و جرایم را توضیح می دهد و همچنین مراجعی که باید شکایات در مقابل آنها مطرح شود. این سایت انترنتی شرایط قانونی کشورهای که مجرمین را تحت پوشش قرار می دهد، تشریح می دهد. برای مثال آیا کنوانسیون ها و میثاق های بین المللی در کشور مورد نظر به تصویب رسیده است و آیا آنها در قوانین داخلی کشورها تطبیق شده اند؟

شبکه داموک لس شامل وکلا، قضات، گزارشگران، فعالین حقوق بشر و متخصصین قانون بین الملل جنائی می باشد و همکاری نزدیک با بخش جهانی ب.ث (در استرالیا، بلجیم، فرانسه، جرمنی، ایتالیا، اسپانیا، سویدن، سویس و انگلستان) و با دفاتر ساحوی آنها در (ابیدجان، بانکوک، بونس ایریس، استانبول، مانتریل، مسکو، نیویارک، توکیو و واشنگتن) دارد. این سازمان همچنان به همراه سازمان های صنفی و سازمان های محلی حقوق بشر کار می کند.

۳- آدرس های مفید برای ژورنالیستان

الف. سازمانهای غیردولتی بین المللی

Amnesty International

عفو عمومی بین المللی

۱ Eston Street, London WC۱X ۸DJ, United Kingdom

آدرس:

آدرس اینترنتی: www.amnesty.org - تلفون: ۱۷۱ ۴۱۳ ۵۵ ۰۰ (۴۴) فکس: ۱۷۱ ۹۶۵ ۱۱ ۵۷ (۴۴)

International Federation of Human Rights Leagues

فدراسیون بین المللی پیمان حقوق بشر

۱۷ passage de la Main d'Or ۷۵۰۱۱ Paris, France

آدرس:

آدرس اینترنتی: www.fidh.org - تلفون: ۱۷۱ ۴۳ ۵۵ ۲۵ ۱۸ (۳۳) فکس: ۱۷۱ ۴۳ ۵۵ ۱۸ ۸۰ (۳۳)

Human Rights Watch

ناظر حقوق بشر

۳۵۰ Fifth Avenue, New York NY ۱۰۰۱۸ - ۳۲۹۹, United States

آدرس:

آدرس اینترنتی: www.hrw.org - تلفون: ۲۱۲ ۲۹۰- ۴۷۰۰ (۱) فکس: ۲۱۲ ۳۷۶ - ۱۳۰۰ (۱)

ب. سازمان های غیر دولتی ویژه آزادی بیان و آزادی رسانه ها

Article ۱۹

ماده نوزدهم

Lancaster House, ۳۳ Islington High Street, London N۱ ۹LH United Kingdom

آدرس:

آدرس اینترنتی: www.aricle۱۹.org - تلفون: ۲۰ ۷۲ ۷۸ ۹۲ ۹۲ (۴۴) فکس: ۲۰ ۷۷ ۱۳ ۱۳ ۵۶ (۴۴)

Committee to Protect Journalists

انجمن حمایت از ژورنالیستان

۳۳۰ Seventh Avenue, ۱۲th floor, New York NY ۱۰۰۰۱, United States

آدرس:

آدرس اینترنتی: www.cpj.org - تلفون: ۲۱۲ ۴۶۵ ۱۰ ۰۴ (۱) فکس: ۲۱۲ ۴۶۵ ۹۵ ۶۸ (۱)

Index on Censorship

راهنمایی سانسور

Lancaster House, ۳۳ Islington High Street, London N۱ ۹LH United Kingdom : آدرس

www.indexcensorship.org : آدرس انترنی:

فکس: ۱۷۱ ۲۷۸ ۱۸ ۷۸ (۴۴)

تلفون: ۱۷۱ ۲۷۸ ۲۳ ۱۳ (۴۴)

International Federation of Journalists

فدراسیون بین المللی ژورنالیستان

Rue Royale ۲۶۶, B-۱۲۱۰ Brussels , Belgium

: آدرس

تلفون: ۲ ۲۲۳ ۲۲ ۶۵ (۳۲) فکس: ۲ ۲۱۹ ۲۹ ۷۶ (۳۲)

آدرس انترنی: www.ifj.org

World Association of Newspapers

مجمع جهانی روزنامه ها

۲۵ rue d Astorg, ۷۵۰۰۸ Paris, France

: آدرس

تلفون: ۱ ۴۷ ۴۲ ۸۵ ۰۰ (۳۳) فکس: ۱ ۴۷ ۴۲ ۴۹ ۴۸ (۳۳)

آدرس انترنی: www.wan-press.org

International Pen

قلم بین المللی

۹ – ۱۰ Charterhouse Buildings, Goswell Road, London

: آدرس

EC۱M ۷AT United Kingdom

www.oneworld.org/internapen/

: آدرس انترنی:

فکس: ۱۷۱ ۲۵۳ ۵۷ ۱۱ (۴۴)

تلفون: ۱۷۱ ۲۵۳ ۴۳ ۰۸ (۴۴)

International Press Institute

موسسه بین المللی رسانه ها

Spiegelgasse ۲-۲۹ A-۱۰۱۰ , Vienna, Austria

: آدرس

فکس: ۱۵۱ ۲۹۰ ۱۴ (۴۳)

آدرس انترنی: www.freemedia.at – تلفون:

Reporters Without Borders

گزارشگران بدون سرحد

۵ rue Geoffroy Marie, ۷۵۰۰۹ Paris France

: آدرس

آدرس انترنتی: www.rsf.org تلفون: ۸۴ ۸۳ ۴۴ (۳۳) فکس: ۵۱ ۱۱ ۲۳ ۴۵ (۳۳)

World Press Freedom Committee

انجمن جهانی آزادی رسانه ها

آدرس: ۱۱۶۹۰- C Sunrise Valley Drive, Reston VA ۲۰۱۹۱, USA

آدرس انترنتی: www.wpfc.org - تلفون: ۹۸۱۱ - ۷۰۳ ۷۱۵ (۱) فکس: ۶۷۹۰ - ۶۲۰ ۷۰۳ (۱)

ج. سایر سازمان های بین المللی

دفتر سازمان ملل متحد برای ارتباطات با موسسات غیر دولتی

United Nations Office for Liaison with NGOs

آدرس: Room ۱۷۶ - ۲ Palais des Nations, ۸- ۱۴ avenue de la Paix

CH-۱۲۱۱ Geneva ۱۰, Switzerland

آدرس انترنتی: www.un.org تلفون: ۲۲ ۹۱۷ ۲۱ ۲۷ (۴۱) فکس: ۲۲ ۹۱۷ ۰۰ ۰۱ (۴۱)

United Nations Human Rights Center

مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد

آدرس: Palais des Nations, ۸-۱۴ avenue de la Paix, CH-۱۲۱۱ Geneva ۱۰, Switzerland

آدرس انترنتی: www.un.org تلفون: ۲۲ ۹۱۷ ۴۲ ۱۱ (۴۱) فکس: ۲۲ ۹۱۷ ۰۱ ۲۳ (۴۱)

International Committee of the Red Cross

کمیته بین المللی صلیب سرخ

آدرس: ۱۷ avenue de la Paix CH- ۱۲۰۲ Geneva, Switzarland

آدرس انترنتی: www.icrc.org - تلفون: ۲۲ ۷۳۴ ۶۰ ۰۱ (۴۱) فکس: ۲۲ ۷۳۳ ۲۰ ۵۷ (۴۱)

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

Office of the United Nations High Commissioners for Refugees

آدرس: Case Postale ۲۵۰۰, ۱۲۱۱ Geneve ۲ Depot Suisse

آدرس انترنتی: www.unhcr.ch – تلفون: ۱۱ ۸۱ ۷۳۹ ۲۲ (۴۱) فکس: ۴۶ ۹۵ ۷۳۱ ۲۲ (۴۱)

یونسکو (برنامه بین المللی برای توسعه ارتباطات)

UNESCO – IPDC (International Programme

for the Development of Communication)

۱ rue Miollis, ۷۵۰۰۷ Paris CEDEX ۱۵, France

آدرس:

آدرس انترنتی: www.unesco.org تلفون: ۹۸ ۴۱ ۶۸ ۴۵ (۳۳) فکس: ۳۲ ۰۱ ۴۴ ۴۹ (۳۳)

The Damocles Network

شبکه داموک لیس

Websit www.damocles.org

E-mail _damocles@rsf.org

آدرس های انترنتی:

د. نهاد های که می توانند در افغانستان به ژورنالیستان کمک کنند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

آدرس: کارته سه ، پل سرخ، کابل – افغانستان

تلفون: ۱۹۷ ۰۰۲۵۰ (۰۲۰)

آدرس انترنتی: www.aihrc.org.af

اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان

آدرس:

تلفون: ۰۷۰۲۲۴۴۳۴

آدرس انترنتی: anjuinfo@yahoo.com

دیده بان رسانه ها – گزارشگر آزادی ژورنالیزم در افغانستان

آدرس انترنتی: mediawatch@nai.org.af

کند.